هفته نامهء

اتحاد اسلامی

بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

PROPERTY ACKU

قصهء ما دو سه دیوانه دراز است هنوز!

ص(۲)

این تروریست های پاکستانی

ص (۲)

شماره مسلسل(۳۲۵)سال دهم - شماره بیست و نهم - یکشنبه(۱۵) حوت ۱۳۷۲ هـ ش (۲۴)رمضان ۱۴۱۴ هـ ق (۶) مارچ۱۹۹۴میلادی قیمت (۵۰) افغانی (یك روپیه)

با حملهء برق آسای مجاهدین بر مواضع ملیشه ها ونیروهای متحد آنان، شهر خان آباد بدست مجاهدین فتح شد

راپور های واصله از شمال افغانستان حاکیست که مجاهدین بدنبال یك جنگ شدید نیروهای مشترك ملیشه و حزب اسلامی را از شهر خان آباد به عقب رانده و منطقهء وسیعی را از چنگ آنان رهائی بخشیدند درین جنگ دوازده تانك و دو میل BM ٤١ ملیشه ها همراه بامقدار زیادی اسلحهء سبك ومهمات نیروهای دشمن بدست مجاهدین افتاده است.

چند روز قبل شهر قندوز بدنبال خیانت عده ئی از سرگروپها در داخل شهر که بوسیلهء پول تطمیع شده بودند بدست نیروهای مشترك ملیشه و حزب افتاد . نیروهای ملیشه وحزب به تاراج و چپاول پرداختند و درین جریان بر سر اموال تاراج شده بین آنان درگیری ایجاد گردید که به کشته شدن ۹ نفراز افراد حزب اسلامی منجر شد در داخل شهر قندوز مردم علیه نیروهای مهاجم به تظاهرات پرداختند که در مقابل ملیشه ها بروی مردم آتش کشودند . از تعداد دقیق شهدا درجریان اطلاع دقیق در دست نیست .

مهاجرین تاجیك که درکمپ نزدیك میدان هوائی و سایر مناطق شهر زندگی میکردند از شهر در حال فرار اند.

نیروهای مجاهد در خارج از شهر برای حمله به شهر قندوز آمادگی می گیرند و انشاء الله بزودی بار دیگر شهر قندوز بدست مجاهدین خواهد افتاد .

بی نظیر بوتو صدراعظم پاکستان از کمپ مهاجرین افغان در ناصر باغ دیدن کرد

بی نظر بوتو صدراعظم پاکستان برای نخستین بار در پشاوراز یك کمپ مهاجرین افغان دیدن نمود وی در جمع زنان و اطفال درین کمپ از روابط نیك پاکستانی ها با افغانها سخن گفت وتاکید کرد که ماجرای گروگانگیری بس مکتب و حمله به سفارت پاکستان در کابل بر روابط دوستانه میان مردمان دو کشور اثر منفی نخواهد داشت زیرا این کار را یك گروه کوچك انجام داده است که رابطه ئی با ملت افغان ندارد .

بی نظیر جهاد افغانها علیه سلطه خارجی را تحسین نمود و اظهار داشت که پاکستان ارسال مواد غذائی کابل راهرگز ممنوع نکرده بلکه بعضی تنظیم های جهادی خود مسئول بستن راهها و مانع رسیدن مواد غذائی به مردم شهر کابل اند .

بینظیر اظهار امیدواری نمود که بزودی در افغانستان صلح بر قرار گردیده و مهاجرین با عزت دوباره به افغانستان باز گردند .

حزب اسلامی کاروان امدادی سازمان ملل متحد را از داخل شدن به کابل باز داشت

در حالیکه هزاران نفر در کابل از گرسنگی رنج میبرند، حکمتیار شرایط جدیدی را برای دادن اجازه به این کاروان عنوان کرده است ص(۸)

افغان کمشنری دپخوانیو مهاجرینوسره مرسته کمولو فیصله کړی

پیښور، دجنگ ورځپاڼه دکب ١٤:

دکابل څخه پیښورته دراتلونکو مهاجرینو شمیر مخ په زیاتیدو دی او افغان کمشنری دوینا له مخی دهغوی ١٨ زره رجستریشن شوی او ٦زره به بی راتلونکی اونی کی ثبت نام شی او هغوی ته به هم راشن پاسونه ورکړشی

دجنگ ورځپاڼی دخبرله مخی تردی دمخه ١٩٩٠ کال دجولائی ترمیاشتی سرحدی ایالت کی ٢٢ لکه بلوچستان کی ٨/٥ لکه ، پنجاب کی یو لك ٧٩ زره ،سند کی ٦٨ زره مهاجرین اوسیدل دجگړی دختمیدو له وجی دهغوی ١٦ لکه ٤٨ زره بیرته ستانه شول او اوس بی هم سرحدی ایالت کی دهغوی ٩لکه ٦٦ زره تنه اوسیږی .

خبر زیاتوی : دامهاجرینو دماینونو، امنیت ، خوراکی موادونشتوالی ، او (۸)مخ

گود مارننگ جناب امیر!!

ص (۳)

بنام خداوندی که بی اندازه مهربان و نهایت با رحم است

سرمقاله

فلسطین و باز هم قتل عام مسلمانان

سازشی که بین یاسرعرفات و رژیم اشغالگر اسرائیل غرض منحرف ساختن داعیهء فلسطین ازمسیر خواست مردم فلسطین صورت گرفته است با قتل عام بیش از شصت مسلمان بدست یك افسر اسرائیلی در مسجد ابراهیمی در شهر حبرون به بن بست جدیدی مواجه شد و نشان داد که برخلاف ادعا از طرف عرفات و اسرائیلی ها ، یهودیان هرگز با مسلمانان سر آشتی ندارند .

هرچند رژیم اسرائیل از این واقعه اظهار تاسف نموده و این عمل را تقبیح کرده است ولی از آنجا که بنیاد اسرائیل بر تعصب ملهبی نهاده شده است بروز چنین فجایع بر ضد مسلمانان درین کشور هرگز غیر مترقبه نیست و مسلمانان درین کشور هر لحظه درمعرض کشته شدن از طرف یهودیان افراطی قرار دارند .

واقعهء اخیرکه خشم مسلمانان و تمام ذهنیت های بیدار درجهان را بر انگیخته است درنوع خود بی سابقه است شخصی درحالیکه لباس نظامی اردوی اسرائیل را به تن دارد و مسلح به یك اسلحهء اتوماتیك است داخل مسجد میشود و باخونسردی مدت ده دقیقه بروی نماز گزاران آتش می گشاید . گفته میشود که بعلت ازدحام جمعیت نمازگزار در داخل مسجد که مشغول ادای نمازفجر بودند هر گلوله که این یهودی جنایتکار شلیك میکند به کشته یا مجروح شدن چندنفر می انجامد در اثر این حمله بیش از شصت مسلمان به شهادت رسیده و حدود دو صد نفر نیز مجروح شدند .

چنین جنایت را فقط میتواند یك دیوانه انجام دهد ولی از آنجا که برای خدمت در اردو در پهلوی سلامت جسمی ، سلامت روانی نیز شرط پذیرفته شدن است چنین بنظرمی رسد که قاتل ظاهراً از نظر روانی سالم ص (۷)

افغانستان ته دمهاجرو بیرته ورتگ لپاره ترهغه انتظار باسو چی هلته حالات سنه شی (نصیر الله بابر)

(۸)مخ

دشهادت پروپاگندیز دریغ او زموږ د مسلمان ملت ستونځی اوهیلی

(۶) مخ

ملګرو ملتو یوځل بیا د جګړی د بندیدو غوښتنه وکړه

دلته راکتونه بی شماره او خوراکی شیان د ګوتو په شمار دی !

(۲) مخ

وقتی بی کفایتی فاجعه می آفرینند

ص(۸)

قصهء مادو سه دیوانه درازست هنوز!

ازکودتای ائتلافی (کمونستی - غربی - اسلامی) یازدهء جدی به اینطرف ، تمام واقعیت های پیدا و پنهان و اسرار و امور سیاسی همه واضح و بر ملا شده و چهره های نقابدار نیز افشا و رسوا گردیده است .

بدون شك كه موجودیت ملیشه ها بحیث یك نوت منظم و مسلح در تشکیل وزارت دفاع دولت اسلامی با وجود اینکه تحت قوماندهء وزارت مذکور خوانده می شد و قوماندان ملیشه ها نیز بار ها درمصاحبه های رادیوی به آن تاکید می ورزید ولی بهر صورت ملیشه های وحشی و غارتگر همواره یك لکهء ننگ بردامان دولت اسلامی بودند و دوست و دشمن بر ضرورت تصفیهء آنان پا فشاری داشتند و دولت را تحت فشار قرار داده بودند . اقدامات وسیع ملیشه زدایی دولت اسلامی ، بغاوت مسلحانهء ملیشه ها، قرار گرفتن حکمت یار در کنار ملیشه ها ، حمایت همه جانبهء همه تنظیم های جهادی ازاعلان جهاد علیه ملیشه ها بالاخره به همه حدس و گمان هاو شك وتردید ها و ناباوری ها پایان داد ، تنظیم های شامل دولت اسلامی ازسرکوبی ملیشه ها و کمونست ها احساس راحت و آرامش نمودند و همه یکدل و یك صدا با رضایت از روابط قبلی واطمینان و باور از وضع موجود و آینده در یك صف واحد قرار گرفتند ولی در آن سو یعنی ئتلاف ننگین وذلت بار کمونست ها ملیشه ها و مجددی و حکمت یار موج روز افزون ناراحتی، تشنج ، نا باوری و کشمکش به ملاحظه می رسد سخنگویان جناح های مختلف و در سابق متخاصم شورای ائتلافی (کمونستی - غربی - سلامی) همآهنگی هر کدام به آهنگ دگر حلق اره می کنند .

درین میان چرندیات و هرزه سرایی های دشنام ریسان شهادت از همه بیشتر جالب ، خواندنی و نده آور است .

تحلیل های کودکانه و توجیهات ابلهانهء این کم سوادان پر ادعا در کنار گزاف گویی و دروغ بافی ای معمول و همیشگی ، مطالب جالب و اندنی نه برای امروز بلکه برای فردا خواهد بود ، ان طوری که نوشته ها ، دشنام ها و چرندیات ت و نیم سال قبل آنان برای امروز جالب و خنده ور است به یقین که فردا نیز نوشته ها و تحلیل ها توجیهات امروزی آنان بیشتر از بیش جالب خنده آور خواهد بود !

دشنام نویسان کم سواد ، چنان در عشق و حبت ملیشه ها غرق می باشند که برهمه مواقف تحلیل ها و نوشته های دیروزی شان یك قلم ط بطلان می کشند واکنون تحمل آن راندارند تا سی حتی از اجساد ملیشه هایی صحبت کند ه توسط سگ ها خورده شده اند و یا ازبکستان ایران مورد انتقاد قرار گیرند واگر دوستم ملحد و مونیست خوانده شود آنگاه میزان قهر و غضب ن آقایان غیر قابل سنجش می گردد .

بهر صورت درین روزها با روشن شدن حقایق واقعیت ها مواضع و مواقف طرف ها ، فقط صهء دو سه تن (دوستم ، حکمتیار و مجددی دراز بودهء و هر یك تلاش دارد تا در قسمت واقف قبلی و امروزی خویش تحلیل هاو رجیهات دست و پا کند و آنرا به جامعه و جهان نویل بدهد !

درین جا فقط به محتریات سرمقاله شمارهء اول رت جریدهء شهادت اشاره می شود که راسیمگی ، خجلت و درماندگی از سر تا بپای آن شهود و ملموس است :

۱- جنگ وکشتار ، تباهی وویرانی سال گذشته و تبلیغات شدید ووسیع پیروان حکمتیار علیه دوستم و مجددی در سرمقالهء مذکور فقط یك « اشتباه و سهو » خوانده شده است !!

۲- از مجددی و دوستم بحیث رقبای سال گذشته یاد شده و چه تعبیر نیکویی زیرا جهات سیاسی رهبری حزب اسلامی نشان دهندهء این واقعیت است که رهبری مذکور با هر پدیده وحادثه فقط از زاویهء « رقابت » می نگرد ! هرگاه مسلمانان متعهد و مخلص نیز « رقیب » پنداشته شوند ، پس با آنان باید جنگ شود ، کشتار ، تباهی وویرانی صورت بگیرد ولی هرگاه کفار وملحدین و دشمنان سرسخت و سوگند خوردهء اسلام و مسلمین « رقیب » احساس نگردند ، آنگاه با آنان ائتلاف صورت گیرد!

بنابرین جنگ ها و تباهی وویرانی سال گذشته بخاطر دین ، عقیده وجهاد نه بلکه فقط بخاطر اینکه آقایان مجددی و دوستم « رقیب » رهبری حزب اسلامی بودند ، براه انداخته شد !!

۳- اکنون مجددی و دوستم بعنوان « راغبین وعلاقمندان » حزب اسلامی مورد تمجید وتایید قرار گرفته اند !! آفرین بر سر مقاله نویس که میل رغبت وعلاقهء رهبری خویش را به سوی ملیشه ها و مجددی بصورت معکوس می بیند !!

ما چنین رغبت وعلاقه را در آنان مشاهده نکرده ایم بلکه این شما هاستید که به سوی آنان رغبت وعلاقه نشان داده اید .

همچنان بازهم از سهرواشتباه صحبت شده و این سهو و اشتباه آقایان دوستم ومجددی « یك امر فطری که هیچ کس از آن مبری نیست » خوانده شده !!

اینست نشانه های عملی و مصداق واقعی « کاسه های داغ تراز آش » « کاتولیك تر از پاپ » و « دایه های مهربان تراز مادر » !!

٤- درسرمقالهء مذکور برای تبرئه مجددی تلاش بیشتر صورت گرفته زیرا او « به تحریك عوامل نفاق با حزب اسلامی روابط تیره داشته ولی بعد ها برایش به یقین ثابت شد که حزب اسلامی درمیان گروه هایگانه تنظیمی است که دارای مواقف ونیات صادقانه وخالصانه است ! و گذشته ها را یکسو گذاشت ، باجرئت در کنار حزب اسلامی قرار گرفت » !

یعنی مجددی بیچاره گناهی نداشته زیرا عوامل نفاق اورا تحریك می نموده اند !!

بلی ! آقای مجددی که کاندید شما برای ریاست دولت خیالی در دورهء مؤقت است دارای چنان ضعف شخصیت است که فقط به تحریك دیگران عمل میکند !!

و اما اینکه به مجددی چه چیزهایی ثابت شده ویا به شما ! همگان اطلاع دارند و اینکه او در کنار حزب قرار گرفته ، یك دروغ شاخ دار دگر دشنام نویسان شهادت است زیرا تشکیل شورای ائتلافی کمونستی - غربی - اسلامی همآهنگی ونامزدی آقای مجددی بریاست دولت خیالی بصورت واضح و روشن ثابت می سازد که رهبری حزب اسلامی در کنار دوستم و مجددی قرار گرفته نه اینکه مجددی در کنار حزب !

« راستگریان » مجددی را بخوانید ، آنها نیز از تدبر آقای حکمت یار تمجید می نمایند چرا ؟ بخاطر اینکه « به شورای همآهنگی پیوسته است»!

٦- از تصادم قوای جنرال دوستم با حزب به قوماندهء دولت » و « بعد ها صحه گذاشتن به حقانیت موضع حزب » صحبت شده :

- کم سوادان اعتراف کرده اند که قوای دوستم تحت قوماندهء دولت بوده و تبلیغات دامنه دار سال قبل را مبنی بر اینکه حاکم اصلی دوستم است ، رد فرموده اند !!

بقیه (ص) ٥

این تروریستهای پاکستانی

ترجمهء مضمون مجیب الرحمن شامی منتشرهء روز نامهء جنگ

سه تن افغان ، یك موتر سرویس مملواز شاگردان مکتب را ربوده از پشاور به اسلام آباد بردند ، ایشان تقاضا داشتند که سرحد پاکستان افغانستان بازگردد ، دوهزار موتر لاری مواد خوراکه به افغانستان فرستاده شود ، به ربایندگان پنج و نیم ملیون دالر پرداخته شود ، وجهت باز گشت به افغانستان یك هلی کوپتر در اختیار شان قرار گیرد و بعضی از محبوسین افغانی در پاکستان از محبس رها گردند.

این سه تن می گفتند که به هیچ یك از گروه های افغانی ارتباط ندارند و ایشان فقط و فقط بمنظور جلب توجهء جهانیان بسوی ملت مظلوم افغانستان که هزاران نفر در نتیجهء گرسنگی ناشی از خانه جنگی می میرند به این عمل دست زده اند.

در اثر رهنمایی وزیر داخله جناب نصیر الله بابر و مهارت کماندوهای با استعداد پاکستان وضع تحت کنترول آمد و در چند لحظه عملیات تکمیل گردید و هر سه اختطاف کننده کشته شدند و اطفال و سائر سر نشینان بس رهایی یافتند .

با پایان یافتن این ماجرا تمام ملت نفسی براحت کشید و آن جو هیجانی که این حادثه ایجاد کرده بود ، از بین رفت .

اگر این ربایندگان زنده گرفتار می شدند ، دریافت انگیزه های این اقدام شان ممکن می شد ، این امر واضح می گردید که ایشان را چه کسی به این اقدام تشریق نموده است ، در عقب ایشان چه کسی قرار داشت ، کدام دماغ با تجربهء خاد یا محض احساساتی بودن آنها ، یا دستهایی که می خواهند در بین پاکستانی ها و افغانها نفرت و انزجار پیدا کنند ، و یا عوامل پنهانی که خواهشمند وارد کردن فشار بر حکومت ایالت سرحد هستند ؟!

اکنون درین مورد چیزی نمیتوان گفت ، هر کس از روی ظن و گمان هر چیز می گوید و با موضوعات دور دور آنرا ارتباط می دهد ، و هر شخص طبق میل خود کلمات وجملاتی رانشخوار می نماید .

بعضی از آقایان فرصت خوبی را برای اظهار نفرت علیه مهاجرین و مجاهدین بدست آورده اند .

درین میان اشخاصی نیز لب به گفتگو باز کرده اند که با داخل شدن ارتش اتحاد شوروی به کابل لرزه بر اندام شان طاری گشته بود و اشخاصی نیز ابراز نظر نموده اند که پالیسی جنرال ضیاء الحق درمورد افغانستان یك لحظه برای شان قابل قبول نبود .

عمل اختطاف کنندگان یقینا قابل تقبیح بود و دل هر پاکستانی ازین اقدام افسرده گردید و مقامات مسئول حکومت افغانستان و تنظیم های جهادی نیز از این امر اظهار تاسف نموده درغم پاکستانیها خودرا شریك دانستند، سفارتخانهء افغانستان نیز در اقدامات علیه مجرمین سهم گرفت و درهر گام با حکومت پاکستان معاونت کردا

با وجود اینهمه ، بازهم بعضی ازحضرات زبان به طعن و لعن افغانها باز کرده اند ، دیگران بهر صورت ، حتی یك وزیر صاحب نیز که یك بیورو کرات سابق است، پالیسی جنرال ضیاء الحق در بارهء افغانستان را مورد انتقاد قرار داده و گفته است، اگر دروازهء پاکستان بروی افغانها باز نمی گردید و اجازهء گشت و گزار آزادانه برای شان داده نمیشد، امروز نمیتوانستند این بس را اختطاف کنند و فرزندان چون برگ گل مارا به عذاب خوف و هراس مبتلا سازند للا باید این همه افغانهایی را که در پاکستان زندگی می کنند ، از این کشور اخراج کنیم و تا آنوقت همهء اینها را در کمپ ها محبوس نموده و اجازه ندهیم که از کمپها بیرون بیایند .

از این وزیر صاحب و افرادی چون وی می توان پرسید که اگرجزای عمل مجرمانهء سه نفر افغان همهء افغانها را در بر گیرد پس پاکستانی ها سزاوار چه جزائی هستند ؟!

اینکه همه روزه در روز نامه ها اخباری به نشر می رسد و با تیتر درشت نوشته می شود ، اینکه همه روزه واقعات درندگی پیش می آید، اینکه همه روزه در لاهور ، کراچی، حیدر آباد و ملتان اختطافها صورت می گیرد ،اطفال را می ربایند ، زنان را بی عفت می سازند ، خانواده های خوش و خندان را خانه خراب می کنند ، جوانان را بکام مرگ می سپارند ، خون پیر مردان را بزمین می ریزند، آیا اینهمه را افغانها مرتکب می شوند ؟ آیا این همه درندگان پاکستانی نیستند ؟! آیا در نزد آنها شناختی کارد و پاسپورت پاکستانی نیست ؟! آیا آنها درین کشور چشم بجهان نکشوده اند؟ آیا آب و هوای پاکستان آنهارا تربیه و بزرگ نکرده است ؟! آیا بخاطر این مجرمان ، همهء ملت پاکستان جزا داده شوند ؟!

آیا ملامتی هرحرکت آنهارا بدوش حکومت پاکستان بنهیم ؟!

در زندانهای پاکستان هزار ها تن دزد پاکستانی ، قاتل پاکستانی ، هوس باز پاکستانی ، شیطان پاکستانی محبوس هستند، در محکمه های

ص (۷)

دلته راکټونه بې شماره او خوراکي شیان د ګوتو په شمار دي !

په کابل کې د خوراکي مواد د کمښت او نرخونو د لوړالي په باب یو رپوټ

خو ورځې وړاندې دکابل د خبرخانې ځخه زمایو د ترور زوی یو لیك رالیږلی ؤ په هغه کې د کابل د حالاتو سربیره د اقتصادي ستونزو او د نرخونو د لوړوالي ذکر هم شوی ؤ زه د هغه د لیك دا برخه کټ ، مټ رانقلوم .

د .. محترمه ! دلته راکټونه بې شماره رالیږل کیږي خوخوراکي شیان بیا د ګوتو په شمار دي داسې ورځ نشته چې کابل باندې راکټونه راونه وریږي او د ښار په کوڅو کې د بې وزلو خلکو چیغې د اسمان په لړ پورته نشي خو نه پوهیږم چې داخلك په کومې ګناه زوروول کیږي بیا هم ددوی چیغو په ځواب کې له آسمانه پرې راکټونه راوریږي ، داسې ځاي اوکور به نه وي چې په راکټ نه وي لګیدلی راکټونه اوس بې شماره دي خو په مقابل کې بیا خوراکي مواد هرڅه په شمار دي د هرڅه بیه آسمان ته ختلې خوك نشي کولی چې خوراکي مواد لاس ته راوړي ځکه دلو لوالي پرته بې پیدا کیدل هم ګران دي ، د یوې خوا سوړ ژمی د بلې خوا راکټونه او د بلې خواهم د نرخونو لوړوالي خلك د تباهي حالت سره مخ کړي ، بنایي د راکټونو او ساړوله حالت ځخه ته خبر وې خو د نرخونو حالت به زه درته ولیکم .

محترمه ! دلته اوړه یوه بوري په ۷۵۰۰۰ افغانۍ،یوه پخه کړې ډوډۍ چې د وزن چیك کوونکې بې هم نشته او د پخوانو پخو ډوډیو نیمایی سره برابره ده په ۲۵۰ افغانۍ،غوړي ۱٦، کیلو بې په ٤۱۰۰۰ افغانۍ او لرګي هم من په ٤۳۰۰۰ زره افغانۍ دي.... .

دا د کابل دردوونکي حالت دي چې خلك په څومره بد حالت کې ژونده شپې ، ورځې سبا کوي خو په مقابل کې بیا د جګړې یوه خوا چې حزب اسلامي شي او دخوراکي موادو لارې هم ددوی په لاس کې دي ،حاضره نه ده چې لارې پرانیزي او کابل ته خوراکي مواد انتقال شي که څه هم چې د پاکستان حکومت او اصلاحي شرا او د سولې د هیئت د مشر په مکررو غوښتنو دي په چمتو شوی اواوس اعلانوي چې موږ حاضر یوو دکابل لارې پرانیزو ترڅوهلته خوراکي مواد انتقال شي خو هغه به دریو سیمو ،عیدګاه جومات افشار او دشت برچي کې ځاي پر ځاي کیږي او مارکیټونه به ورته جوړیږي .

ځینې خلك په دې خوش باوري اخته دي چې بنایي تر همدې وینا وروسته مواد کابل ته آزادانه ورسول شي اول خو د موادو د رسولو پر مخ لارې تراوسه هم تړلې دي او حتی چا سره په غوټه کې خوراکي موادنه پریږدي او دوهم دا چې که دا موادنوموړو دریو سیموته انتقال هم شي خلك به هغه په داسې حال کې چې هره لحظه جګړه وي او د راکټو اوریدل څنګه لاس ته راوړي داسې ښکاري چې دا هم د چا خبره خوشې خبره ده ځکه خلك جګړې او د هرې لحظې راکټونو او رولو دومره ویرولي چې د کور د نږدې دوکانونو پرته ډېرې لنډې فاصلې کې هم تګ راتګ نشي کولی او حتی څو کیلومتري کې دخپلو خپلوانو دحال پوښتنه هم نشي کولی .

په هر صورت که د جګړې ترڅنګ د خوراکي مواد و انتقال کابل ته نورهم ځنډیږي او په دې برخه کې جدي اقدام اوزړه خواږي ونه ښودل شي بنایي کابل ښار اوسیدونکي د راکټونو سربیره د خوراکي موادو قحطی د مرګ کومې ته ټیل وهي .

گود مار ننگ جناب امیر !!

چه و م بجبه خبر ه رمتا ؟؟

هـ : ارشاد می فرمایند : امکانات تشکیل حزب جداگانه برای استاد سیاف را چه کسی یا چه دستی فراهم آورد ؟ آیا بدون مداخله، خارجی وی می توانست پس از انحلال اتحاد بحیث رهبر یك تنظیم جدید در صحنه، سیاسی مطرح گردد و...

جنابعالی ! چرا از انجنیر صاحب حکمتیار چنین سوالی را نمی پرسید تامشکل تان حل شود؟! آیا انجنیر صاحب حکمتیار وقتیکه از زندان داود توسط مداخله، خارجی رهایی یافته و زنده و سلامت به پشاور رسیدند وحزب جدیدی را تشکیل دادند و اساس اختلافات و کشمکش ها را نهادند ، امکانات تشکیل حزب جدید را چه دستی و چه کسی در اختیار شان گذاشت؟

وجالب اینکه نظام دکتاتوری وغیر اسلامی داود انجنیر صاحب حبیب الرحمن را گرفتار و شهید میکند اما انجنیر صاحب حکمتیار با استفاده از شاه بخشی داود خان از زندان رهایی می یابد و صحت و سلامت به پشاور میرسد !! .... به هر صورت - اگر ادعای شما را مبنی بر اینکه نهضت اسلامی افغانستان حزب اسلامی نام داشت وحکمتیار صاحب موسس آنست بپذیریم - امکانات توسعه و انکشاف این حزب را چه دستی فراهم آورد ؟ آیا حکمتیار صاحب و حزبش در آغاز اینهمه کش و فش ودم و دستگاه و امکانات وسیع را در اختیار داشتند ؟ آیا نهضت اسلامی افغانستان از نگاه مالی سخت فقیر نبود ؟ ! آیا حکمتیار صاحب در آغاز هجرت با تعدادی از یارانش در خانه های محقر پشاور شب و روز سپری نمیکرد ؟ آیا در سفر از یك منطقه به منطقه، دیگر از وسایل ابتدایی مثلا رکشا استفاده نمیکرد ؟ پس چه معجزه یی بوقوع پیوست که روز تا روز موتر های مادل جدید در اختیار شان قرار گرفت ، تا حتی که امروز در موتر مخصوص ضد زره و در بین سیف مخصوص ضد زره از جایی به جایی می روند ؟! و چه شد که روز تا روز خانه های محقر به بلدنگ های مفخم و طویل و عریض تبدیل گردید ، بلدنگ هایی که کرایه، آن به ملیونها کلدار بالغ می گردید و می گردد ، چه واقع شد که موسس فقیر نهضت اسلامی یکباره غنی گردید و کمیته ها تشکیل داد و به نشرات آغاز کرد ؟! جریده ، مجله ، کتابها ، مکاتب ، مدارس ، مصارف کمیته، سیاسی ، مصارف کمیته، نظامی ، مصارف کمیته، دعوت و تنظیم ، مصارف ومصارف و مصارف ... اینهمه را برای جناب امیر چه کسی می پرداخت ؟ و چه کسی درحال حاضر مصارف کمر شکن جبهات ، رادیو ، تلویزیون ، نشرات ، تبلیغات واز همه مهمتر مصارف گزاف جنگهای خونین جناب امیر را می پردازد؟ ! آیا این مصارف به ملیونها بلکه ملیارد ها کلدار و دالر بالغ نگشته و نمیگردد ؟ آیا جناب امیر در گذشته فابریکه ، پول سازی داشته اند و یا اکنون دارند ؟ ! شاید ارشاد بفرمائید که دیگران نیز چنین مصارف داشته اند و دارند . آری ! ولی امکانات دیگران را که دستهای مداخله گر خارجی فراهم آورده استا! این شما و یاران ملیشه و غربزده، تان هستید که از مداخله، خارجی مصئون و محفوظ مانده اید !

پس باید جواب بدهید که اینهمه مصارف گزاف را از کجا کردید واز کجا می کنید ؟! اگر دستهای خارجی اینهمه امکانات را در گذشته و حال و آینده در اختیار تان قرار داده است ومی دهد ، پس شرم تان باد که دیگران را ملامت کنید زیرا رطب خورده منع رطب کی کند ... و اگر می فرمائید که اینهمه مصارف وامکانات را دوستان جهاد و امداد گران مسلمان در اختیار تان قرار داده اند و می دهند ، پس چرا این امکان را در قسمت دیگران منتفی می دانید؟! و آنهم در حالیکه مصارف شما چه در گذشته و چه فعلا ده ها برابر مصارف دیگران است !

اینکه شناخته شدن تنظیم اتحاد و تشکیل آنرا مورد سوال قرار داده و ادعا کرده اید که به سرعت اعلان شد ، سوالی است بیمورد وواهی زیرا در پاکستان در قسمت تشکیل احزاب افغانی حدود و قیود و مقرراتی وجود نداشت که با وجود عدم انطباق آن بر تنظیم اتحاد ، این تنظیم عرض اندام کرده و باعث حیرت شده باشد ، اما بعدازآنکه حدود و قیود وضع گردید ، هفت تنظیم از طرف شیخ عبدالله همزمان برسمیت شناخته شد و باقی احزاب و تنظیم ها لغو گردید ، در جمله، این هفت تنظیم اتحاد اسلامی نیز بود ، بناء هر عاملی را که در برسمیت شناخته شدن و ابقای حزب اسلامی دخیل بدانیم در قسمت شش تنظیم دیگر نیز می توان از آن نام برد .. اگر برسمیت شناخته شدن و بقای حزب اسلامی برای آن بوده باشد که رهبرش حکمتیار به ادعای شما از موسسان نهضت است ، زندان دیده ، عالم است و ... پس حتما شیخ عبدالله و امثال شان فکر کرده اند که هرگاه تنظیم حکمتیار را برسمیت می شناسیم ، تنظیم سیاف را چرا برسمیت نشناسیم که در علم خود ، در مبارزه، خود ، در زندانی شدن خود بمراتب از حکمتیار مقدم است . حکمتیار تا صنف دوم پوهنحی انجنیری درس خوانده در حالیکه سیاف در حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم از پوهنتون الازهر ماستری دارد ، حکمتیار شاگرد پوهنتون بود و سیاف استاد پوهنتون ، حکمتیار شش ماه و یا کمتر از ین مدت رادر زندان سپری کرده بود و سیاف شش سال را ، حکمتیار را مداحان و اطرافیانش از موسسان نهضت و یگانه فرد باقیمانده از آن موسسان می دانند و سیاف را همه، آنهایی که شاهد بوجود آمدن ومبارزات نهضت بوده اند ، بصفت معاون نهضت و از اعضای موسس آن می شناسند چه مداحان و وابستگان حکمتیار بپذیرند یا نپذیرند .. آری حتما شیخ عبدالله و آنهایی که هفت تنظیم را برسمیت شناختند ، در برسمیت شناختن اتحاد این اعتبارات را در نظر گرفته اند ، واگر این عمل شیخ عبدالله بمفهوم مداخله، خارجی باشد ، پس بقای حزب اسلامی و برسمیت شناخته شدن آن نیز مولود مداخله، خارجی است زیرا کسیکه تحت انگیزه های استعماری ومداخله گری تنظیمها را برسمیت می شناسد ، فقط همان تنظیمها و احزابی را برسمیت می شناسد و باقی می گذارد که بدردش می خورند و مخالف مداخله اش نیستند ، و باقی را از بین می برد ، بنابرین منطق ، مداخله گران حتما حزب اسلامی را در راستای منافع و خواسته های خود تشخیص داده بودند که حذفش نکردند ، وگرنه چه دلیلی برای بقا و استمرار و برسمیت شناخته شدن حزب اسلامی وجود داشت ؟! اینکه - طبق ادعای شما - حکمتیار یگانه فرد باقیمانده از موسسان نهضت بود ؟! پس تنظیمهای استاد ربانی و مولوی محمد نبی ، مولوی خالص ، مجددی ، گیلانی را که بازهم به ادعای شما دارای چنین صفتی نبودند ، چرا باقی گذاشتند و برسمیت شناختند ؟ ! بخصوص حضرت که دشمن نهضت هم بوداچه رسد به اینکه از موسسانش باشد !!

اینکه حکمتیار پیش از دیگران مهاجر شده بود ؟! بازهم پرسیده می شود آنهایی را که بعداز وی آمده بودند، چرا برسمیت شناختند؟! اینکه حکمتیار مسلمان تر ، متقی تر ، مداخله، ناپذیر تر از دیگران بود ؟! عجیب است .. پس برسمیت شناسند گان دارای شخصیت دوگانه بودند ، از یکسو افرادی و احزابی را برسمیت می شناختند که به ادعای خود شان صد فیصد مسلمان ، انقلابی و مداخله ناپذیر بودند و از طرف دیگر احزابی را که بازهم به ادعای آنها منافق ، استفاده جو و فرصت طلب وازهمه مهمتر مداخله پذیر بودند !! مسلما اشخاصی که دارای شخصیت دوگانه اند عملکرد شان طبق خواسته ها و اهداف شان می باشد و نه تحت انگیزه ها و اهداف اسلامی و مفید برای اسلام ، پس عدم حذف و الغای حزب اسلامی و باقی گذاشتن آن واز همه مهمتر قرار دادن شصت در صد همه، امکانات نظامی و مالی در اختیار این تنظیم بخاطر آن بودکه این تنظیم مولود مداخله، خارجی و اثر پذیر مداخله، خارجی بود ، ورنه وچه عنصر خارق العاده یی در وجود محترم انجنیر صاحب حکمتیار وجود داشت وکه باعث بقا و استمرار حزبش و استفاده، آن از بیشترین بخش کمکها و امکانات گردید ؟!

و : ارشاد می فرمایند : در سال ۱۳۷۱ که استاد ربانی و انجنیر حکمتیار به ایران بودند ، استاد سیاف به تشریق کدام نیروی خارجی علیه استاد ربانی و مولوی خالص دست به کودتا زد و افراد تنظیم ها را تطمیع و خودرا امیرایشان ساخت؟!

جناب عالی ! در پاسخ تان باید عرض شود به تشریق همان نیرویی که حکمتیار را در سال های نخستین هجرت واداشت که با استفاده از سفر استاد ربانی به عربستان سعودی علیه او کودتا کند وخودرا امیر نهضت قلمداد نماید !

و آنگهی رفتن از یك تنظیم به تنظیم دیگر از همان نخستین روز هائیکه آقای حکمتیار با تشکیل حزب جدیدی ، نهضت اسلامی را با انشعاب مواجه ساخت و بنیاد اختلافات را گذاشت ، تا امروز وجود داشته است و همین چند روز قبل استاد توانا وعباس کریمی دراثر تطمیع حکمتیارو یاران ملیشه اش ، تنظیم خودرا ترك کرده به شورای ائتلافی کمونستی اسلامی هماهنگی پیوستند و در دوران جهاد بار ها افراد سائر تنظیم ها دراثر تطمیع حکمتیار ، تنظیم های خودرا رها کرده بوی پیوسته اند ، دلجو ، کریمی ، عبدالواحد خان ، علام الدین اثیر وده ها تن دیگر امثال ایشان نخست اعضای جمعیت اسلامی بودند ولی بعدا دراثر تطمیع حکمتیار صاحب ، به تنظیم وی شامل شدند و عجیب اینکه ترك تنظیم اصلی شان و پیوستن به حزب کار درستی بود و بااین کار خویشتن برادر شدند ! ووظائف و مناصب عمده بدست آوردند ولی همینکه دوباره حزب را ترك کرده و به جمعیت و یا دولت پیوستند ، عناصر فروخته شده گردیدند !

آری ! چیزی که برای دیگران حرام است ، ممنوع است ، گناه است ، برای حزب اسلامی اسلام است ، انقلاب است ، دین است ، ثواب است !!

وقتی شخصی بنام مولوی سعید دراثر تطمیع حکمتیار صاحب با پیروانش از جمعیت به حزب رفت ، افراد حزب آنرا جشن گرفتند و با بوق و کرنا در بازارها اعلان نمودند ! زمانیکه مرحوم مولوی منصور تنظیم جداگانه یی تشکیل داد ، بعداز مدتی همه، افراد شورای اجرائیه اش در اثر تطمیع حکمتیار صاحب تنظیم خودرا ترك گفته به حزب اسلامی پیوستند !!

اگر رفتن از یك تنظیم به تنظیم دیگر جرم است، پس اساس آنرا مدتها قبل از استاد سیاف ، جناب محترم انجنیر صاحب حکمتیار گذاشته استا!

چند سال قبل وقتیکه آقای همایون جریر بصفت نماینده، حزب به پنجشیر رفت وبا انجنیر مسعود ملاقات کرد ، اورا تطمیع نمود که به حزب بپیوندد و جریر صاحب زمانیکه بر گشت ، با این غلط فهمی برگشت که ممکن است مسعود به حزب بپیوندد واین آوازه از طرف افراد حزب به همه جا پخش گردید و مطبوعات حزب بخصوص شهادت از مسعود دشمن خویش ، برادر مسعود ساختند و به توصیف او پرداختند اما همینکه روشن شد ، برداشت جریر صاحب غلط بوده است ، دوباره حملات علیه او آغاز گردید و صفت برادری از وی سلب شد !!

پس اگر رفتن افراد از یك تنظیم به تنظیم دیگر مداخله، خارجی است ، نخستین شخصی که از ان مداخله، خارجی متاثر گردیده حکمتیار بوده است ، و همو بوده که افراد تنظیم های مختلف را اغوا وتطمیع کرده به تنظیم خویش برده است !!

ز : ارشاد می فرمایند : پوهاند سیاف براساس پروگرام چه محافلی جزبیگانگان دست به تطمیع قوماندانان دوسیه دار منظمات جهادی زده و آنها را جهت خرابکاری به جبهات فرستاده است ؟

به همگان معلوم است طوریکه در بالا روشن ساختیم تطمیع اشخاص و قوماندانان کار انجنیر صاحب حکمتیار بوده واو اساس تخریب کاری در جبهات و در محیط هجرت را گذاشته است و از همین سبب در طول تاریخ جهاد ،این حزب اسلامی بوده است که عوض جنگ علیه روسها و جنایتکاران خلق و پرچم ، به جنگ و کشتارعلیه جبهات تنظیم های دیگر پرداخته است !

لطفا مدعیان اسلام انقلابی (!) و بنیاد گرایی (!) جبهه یی و تنظیمی را نشان بدهند که در طول دوران جهاد علیه آن نجنگیده باشند ؟!

در قندهار ، درهلمند ، در بدخشان ، در تخار ، در کنر ، در فاریاب ، در لغمان ، وخلاصه در همه، ولایات ، این تخریبکاران حزب بوده اندکه علیه جمعیت، حرکت ، جبهه ، محاذ ، حزب مولوی خالص ، تنظیم مولوی سمیع الله وخلاصه علیه همه، مجاهدین جنگیده اند ایا انقلابیون در آتشه درحزب از این حقیقت انکار میکنند ؟ !

و آیا درین مورد نیز مانند سائر موارد به چشم ملت خاك می پاشند ؟! شاید ... زیرا زور گویی ودروغگویی عادت ایشان است .

ح - می فرمایند : آیا پوهاند سیاف مدتها قبل از گروه های باصطلاح ملیگرا رشوه واسلحه فروشی را وارد صفوف جهاد ما نساخت ؟

درینجا نیز آقای حامد مانند موارد دیگر بطور لاشعوری دشمن سابق و دوست فعلی و دشمن احتمالی آینده، رهبرشان حضرت صبغة الله المجددی رئیس جمهوراسبق و سابق و پادشاه خیالی آینده را رسوا می سازند و پرده از جرم وجنایت بزرگ ایشان یعنی ترویج رشوه واسلحه فروشی می بردارند ، زیرا ایشان می پذیرند که تنظیم های ملی گرا آغشته به رشوه واسلحه فروشی بوده اند و همگان می دانندکه مجددی در رأس ملی گراها قرار دارد ولو برادران حزب وی را در چشمه های ازبکستان غسل تعمید بدهند و لباس ناجور و نا برابر بنیاد گرایی واخوانی گری را به تن او بپوشانند !!

واما در برابر سوال ایشان باید گفت که نه خیر شما دروغ می گوئید ومانند دروغها و اتهامات شاخدار دیگر تان این دروغ تان نیز بی شرمانه و پوچ ومیان تهی است و حتی جملات متناقض تان نیز این دروغ تان را نفی می کند زیرا این رفیق و یار و یاور تان مجددی بود که اساس ملیگرایی و اسلحه فروشی و رشوه و فساد را همزمان در صفوف جهاد واردکرد و تنظیم او مدتها قبل از رهایی استاد سیاف از زندان ووصولش به پشاور ساخته شده بود !

اسلحه فروشی جبهه، مجددی را شما و یاران تان در شهادت و رهبرتان در محافل و کنفرانسها بارها یاد آوری کرده و نوشته و گفته اید که قبر هندو و جبهه، حضرت را کسی ندیده است !

و اگر این دروغ تان علیه رهبر محترم اتحاد اساسی می داشت و مبتنی بر نهایت استیصال و نیافتن دلیل و فقدان منطق نمی بود ، لا اقل یك بار دیگرنیز آنرا عنوان می کردید ، زیرا دشمنی و دشنام طرازی شما علیه استاد سیاف بی سابقه وجدید نیست منتها این اتهام بیشرمانه و دروغ شاخدار تان تازگی دارد !

ط :ارشاد می فرمایند : پولهای گزاف دالر و ریال را چه کسی جز بیگانگان در اختیار استاد سیاف بمنظور تطمیع افراد حزب وجمعیت و انشعاب در این دو تنظیم می گذاشت ؟

قبلا بطورمشرح و با استناد به دلائل انکار نا پذیر ثابت ساختیم که اساس تطمیع افراد و انشعابات و اختلافات را حکمتیار صاحب گذاشته است ! و اما انشعابات بزرگ درحزب اسلامی در نتیجه، پالیسی ها و سیاست های غلط و سازشهای جناب حکمتیار صاحب بوده است مثلا خروج دسته جمعی اعضای شورای اجرائیه حزب و انشعاب شان در نتیجه، ائتلاف حکمتیارصاحب با تنی بوقوع پیوست زیرا این ائتلاف عملکرد شخصی و تصمیم انفرادی حکمتیار بود درست آنگونه که ائتلافش با دوستم به تصریح قاضی وقاد معاون حزب ، بدون مشوره با شورای اجرائیه واز طرف شخص حکمتیار صورت گرفته است !

خوب ، بگذریم ازین حرفها ... اگر بپذیریم که اینهمه افراد خارج شده از حزب که افراد عادی نبودند بلکه مقامها و مسئولیت های عمده یی در حزب داشتند در اثرتطمیع استاد سیاف و یا دیگران حزب را ترك گفته اند ، پس تنظیمی که اینقدر ضعیف و ناتوان بوده و دو معاون و چندین رئیس کمیته و اکثر اعضای شورای اجرائیه اش در برابر پول تطمیع شوند و تنظیم خودرا ترك بگویند، چه ارزشی دارد و چگونه میتواند لاف از نظم و دسپلین و اسلام و بنیاد گرایی و انقلابی گری وتعهد و.... بزند ؟! و نویسندگان و مداحانش یگانه تنظیم اصیل اسلامی ،جهادی ، انقلابی تنظیم خویش را بشمار آرند و دیگران رانفی کنند ؟! عملی که شهادت و مداحان حزب همیشه مرتکب آن گشته اند و می گردند !!

حقیقت اینست که این افراد و شخصیت های معزز و معظم و امثال شان فقط و فقط در مخالفت با سیاست های غلط و یکه تازانه، رهبری حزب ، این تنظیم را ترك گفته اند و نه در نتیجه، تطمیع و یا تهدید دیگران ! چه اگر اینها تطمیع می شدند باید مناصب و شان و شوکتی بالا تراز آنچه که در حزب داشتند ، بدست می آوردند ، در حالیکه وضع بر عکس است !

و اما پول های گزاف و بیگانگان ... پوهاند سیاف چه مهتراست بکند که ازه خودگی ها » یعنی « امام قلنافی ! » و « صدام حسین صلاح الدین ایوبی دوم ! » جز حکمتیار صاحب دست نوازش به سر شخص دیگری نمی کشیدند و سیل دالرها و دینارها و ریالها و ... را بمنظور پیاده کردن نظام اسلامی از نوع آنچه که صدام و قلنافی در عراق و لیبیا پیاده کرده اند ، تنها و تنها در اختیار حکمتیار صاحب قرار می دادند و قرار می دهند !!

ی : فرموده اندکه در دوران اتحاد هفتگانه استاد سیاف با وجود اعتراض حکمتیار سفیر وولی عهد سعودی را به مجالس اتحاد می آورد !

این دروغ آنقدر عریان و بی شرمانه است که نیازی به رد ندارد زیرا اگر چنین چیزی بوقوع می پیوست، حتما صدای اعتراض حکمتیار و سائر رهبران جهادی بلند می شد و این ماجرا به بیرون سرایت می کرد ، بخصوص مولوی صاحب خالص که در آنوقت در انتقاد بر استاد سیاف پیشقدم بود

ص (۴)

، این موضوع را در سطح مطبوعات افشا می نمود ، در حالیکه چنین اعتراضی نه از طرف حکمتیار و نه خالص و نه دیگران در آن زمان عنوان نشده بود !

و اگر چنین چیزی آنوقت بوقوع پیوسته بود وحکمتیار با آن مخالفت می کرد ، چرا این مخالفت خودرا علنی نکرد ؟! آیا این بدان معنی نیست که خود حکمتیار نیز موافق بود ؟!

اگر قرار باشد هر کس آنگونه که دلش می خواهد دیگران را بدون سند و دلیلی متهم و محکوم سازد ، پس چه کسی میتواند رد کند که حکمتیار صاحب بصفت معاون اتحاد سفرا و نمایندگان خاص صدام و قذافی را که با وی روابط دوستانه و برادرانه داشتند ، در جلسات اتحاد با خود می آورد !!

بهترین مثال موقف استاد سیاف در قسمت مداخله ء بیگانگان ، قضیه ء خلیج است که استاد حضور قوای امریکائی در سعودی و همکاری سعودی ها با این قوا و حمله ء صدام برکویت را یکسان وبا لحن شدید محکوم کردوخشم و انزجار سعودی هارا علیه خود برانگیخت ، بر خلاف حکمتیار صاحب که با دوستش قاضی حسین احمد با اکتها و ژست های باصطلاح امریکا ستیزی از حمله ء صدام بعثی برکویت و قتل عام و آبرو ریزی مسلمانان آن کشورحمایت علنی نمود و گفت : کشورهای کوچك خلیج باید از بین بروندو کشور واحد مقتدری بمیان آید !! یعنی بفرمایش ایشان صدام حق داشت کویت را اشغال نموده و نظام کافر بعثی را در آنجا مستقر سازد !!

ك : شکر افشانی می نمایند که رهبران جهاد در مکه ء معظمه تعهد کردندکه متحدا جهاد کنند اما استاد سیاف در نقض تعهد به توصیه ء نیروهای بیگانه پیشقدم گردید !

نخیر جناب ! با کمال معذرت بحضور تان عرض شود که دروغ می گوئید زیرا این دیگران واز جمله رهبر شما بودند که در نقض تعهد پیشقدم شدند واستاد سیاف تا آخرین لحظه مقاومت کرد وکوشید از انحلال اتحاد توسط اختلافگران جلوگیری کند .

لطفا از رئیس تلویزیون تان که آن وقت سر محرر جریده ء اتحاد بود بپرسید که در آخرین ایام عمر اتحاد که کشمکش در بین ویران گران و سازندگان آن جریان داشت ، چرا و تحت چه انگیزه ی ابلاغیه ء سه تنظیم بشمول حزب اسلامی را در مورد انحلال اتحاد به نشر سپرد و این عمل را بدون اجازه و اطلاع ریاست فرهنگی به نشر سپرد ؟! آیا این عمل که طبعا بدستور حکمتیار صاحب صورت گرفته بود ، بمعنی نقض اتحاد و ضربه ء نهایی بمنظور از بین بردنش نبود ؟! آیا این دستور را حکمتیار صاحب به توصیه ء نیروهای بیگانه صادر نکرده بود ؟!

ل : می فرمایند : آیا مداخله ء بیگانگان نبود که استاد سیاف را شورای مشورتی منعقده ء بیت الحجاج به مقام صدارت رسانید ؟!

آقای حامد! چنان می نماید که محبت ملیشه ها شمارا دیوانه کرده و به هذیان گویی واداشته است که در جایی همه ء تنظیم هارا نوکران خارجی ها قلمداد می کنید و می گوئید ایشان مجبور بودند اوامر خارجی هارا بپذیرند و رئیسی را که توسط مداخله ء خارجیان بر آنها تحمیل گشته بود ، با خاموشی قبول کنند و در جای دیگری همه ء اشتراك کنندگان شورای مشورتی راولپندی را که از رهبران همه ء تنظیم های جهادی بشمول تنظیم شما و بهترین علما و دانشمندان و قوماندانها و اهل خبره و سیاستمداران مربوط همه ء تنظیمهای جهادی و بازهم بشمول تنظیم شما ، تشکیل یافته بود ، چاکران اجانب بشمار می آورید ، اگر چنین نیست پس چگونه اینهمه اشخاص زبده وورزیده ء جهادی در برابر مداخله ء خارجی خاموشی ماندند وجرأت نکردند که مخالفت کنند ؟! واه واه ازین منطق !! پس افغانستان از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق پراست ازنوکران اجانب !! آقای حامد ! کمی بهوش بیائید ، آیا متوجه هستید که درحماسه ء دفاع از ملیشه ها و بادارشان رفیق کریموف ، ولی نعمت خویش آقای حکمتیار را نیز دشنام می دهید و نوکر خارجیانش بحساب می آورید ؟!

آیا مداخله ء خارجیان در شورای مشورتی تنها به استاد سیاف مقام صدارت را بخشیده بود ویا دیگران را نیز با بخشیدن مناصبی از لطف و نوازش خود بهره مند ساخته بود ؟!

آیا دوست فعلی و دشمن سابق تان حضرت صاحب المجددی نیز در همان مجلس بصفت رئیس جمهور تعیین نشده بود ؟! چه می فرمائید ، آیا این مقام به آن جناب مستطاب نیز عنایتی بوداز طرف دستهای مداخله گر خارجی و یا از آسمان برای شان فرود آمده بود ؟!

آیا این نیروهای خارجی بودند که بجناب حکمتیار صاحب مقام وزارت خارجه را در همان مجلس وتوسط همان شورا بخشیده بودند ویا این مقام عطیه ء آسمانی برای ایشان بود ؟! مطابق منطق شما همان حرف نخستین درست است!!

یعنی دستهای مداخله گر خارجی آقای حکمتیار را بر کرسی مهم وزارت خارجه متمکن ساخته بودند !!

م : می فرمایند : آیا این مداخله ء خارجی نبود که استاد سیاف را علی الرغم اکتهای انقلابی و شعار های بنیاد گرایانه حدود سه سال بحیث صدر اعظم محترم مجددی نگهداشت .

آری ! مداخله ء خارجی عجیب نیرویی دارد که از یکسو شمارا با مجددی برسر دسترخوان شورای کمونستی - غربی - اسلامی هماهنگی می نشاند واز طرف دیگر وادار تان می سازد که اورا شخصیتی قلمداد کنید که جز برای تنفیذ مداخله ء خارجیان ساخته نشده و جز بودن تخته ء خیز برای اجانب ، حیثیتی وارزشی ندارد !

اگر قرار داشتن استاد سیاف در مقام صدارت محترم مجددی دلیل آن بوده باشد که مداخله ء خارجی صورت گرفته ، پس از رهبر خود بپرسید که با وجود اکتهای انقلابی تر و بنیاد گرایانه تر چرا تقریبا همین مدت ویا کمتر وزیر خارجه ء او بود ؟! و چرا این نوکر خارجیان را که هر که در پهلویش قرار گرفت ، داغ مداخله ء خارجی به پیشانی اش می نشیند ، بحیث رئیس جمهور کودتای ناکام ۱۱ جدی پیشنهاد کرد وچرا با وی ائتلاف نمود ؟!

ن : می فرمایند : درهنگام سفر حکمتیار به امریکا ، رونالد ریگان از وی سه بار تقاضای ملاقات نمود اما اوابا ورزید و استاد سیاف از حکمتیار با الحاح خواست که این فرصت طلایی را از دست ندهد !

آقای حامد ! انسان وقتی حیا نداشت از گفتن بزرگترین دروغها عرق شرمی بر پیشانی اش نمی نشیند وچنان می نماید که شما نیز چنین هستید ... مگر شما چه ملامت هستید زیرا گفتن دروغ و آنهم دروغهای شاخدار در حزب معمول است .

حقیقت اینست که استاد سیاف با وجود تمایل دیگران ، شدیدا مخالف دیدار با ریگان بود ووقتی که یاسر صاحب نماینده ء استاد سیاف در آن هیئت با استاد تماس گرفت و نظر وی را جویا شد ، استاد برایش گفت :

اگر می خواهی بصفت شخصی با ریگان ببینی مربوط به خود تو است ولی هرگز اجازه نداری بصفت نماینده ء اتحاد با وی دیدار نمایی !

از این واقعه جز چند سالی نگذشته است و اشخاص زیادی وجود دارند که در جریان بودند و به موقف قاطع استاد سیاف در آن ، شهادت می دهند و به این تهمت ناروا و دروغ شاخدار و بی شرمانه ء آقای حامد نفرین می فرستند .

آقای حامد ! درمورد معاهده ء جبل السراج واینکه مسعود در آن چه نقش داشت و استاد ربانی چه نقش و استاد سیاف چه رولی را بازی میکرد ، داد سخن داده و اتهامات ودروغ های بارها تکرار شده را بازهم تکرار کرده اند .

ایشان و سائر نویسندگان شهادت که در لفاظی ماشاء الله مهارت زیادی دارند ، هنوز هم که سازندگان و مهره های اصلی آن معاهده - و آن هم به ادعای خود ایشان - یعنی دوستم ، مجددی ، مزاری ایران و ... در پهلوی حزب اسلامی قرار دارند ، آن را محکوم می نمایند و بیشرمانه از این حربه ء کهنه استفاده و بهره برداری می کنند !

سوال اینجاست که اگردر تشکیل آن معاهده استاد سیاف نقش عمده داشت، پس در تشکیل کاپی آن یعنی ائتلاف ننگین شورای کمونستی - غربی - اسلامی که همه ء کمونستها و ملیشه ها وغربزده ها و عناصر غیراسلامی را دربر میگیرد ، چه کسی نقش دارد ؟!

آیا دوستم جزء آن معاهده ء نبود ؟! آیا مجددی جزء معاهده نبود ؟! آیا مزاری جزء آن معاهده نبود ؟ آیاایران درتشکیل آن نقش نداشت ؟! آیا شما بار ها در گذشته از سهیم بودن این اشخاص و اطرافی که بر شمردیم در تشکیل آن معاهده و آن ائتلاف باربار سخن نگفته اید ؟! و آیا حتی در همین مقاله از نقش مجددی در آن معاهده ، و روابط نزدیك وی با مسعود حرف نزده اید ؟! پس کدام نیروی خارجی بود که اینهمه ائتلافگران و سازشکاران را در پهلوی آقای حکمتیار صاحب قرار داد و شورای هماهنگی را ساخت ؟!

آیا این بدان معنی نیست که استعمار اکنون چهره یی را بر گزیده است که بیشتر از استاد سیاف دارای وجهه ء انقلابی و بنیاد گرایانه است واکتهای انقلابی تری انجام می دهد ؟!

ف : می فرمایند : استاد سیاف در انعقاد معاهده ء گورنر هاوس چنین و چنان نقش داشت وهنگامیکه او با لحن فاتحانه خبر تشکیل حکومت موقت بریاست محترم مجددی را اعلان کرد یاد کارنامه ء مارشال شاه و لیخان غازی فاتح کابل یا کابل گیرك شاه را در اذهان زنده کرد و ...

جنابعالی ! جریان معاهده ء گورنر هاوس راهمگان از صفحات تلویزیون پاکستان مشاهده کردند و دیدند که در ذوات حاضر در آن مجلس آقای قطب الدین هلال نماینده ء با صلاحیت حکمتیار صاحب نیز با نفس نفیس تشریف داشتند و در انعقاد آن معاهده ء بقول شما - ننگین - شریك بودند ، حالا اگر ایشان مجبورا در آنجا برده شده بودند پس این خود دلیل آنست که شما بیشتر از دیگران مطیع و فرمانبردار مداخلات خارجی هستید واگر برضای خود ورضای حکمتیار صاحب رفته بودند ، پس بازهم ... رطب خورده منع رطب کی کند !

همچنان بینندگان دیدند که درجریان آن معاهده جز بعضی از مسئولان بلند پایه ء حکومت پاکستان خارجیان دیگری بمشاهده نمی رسیدند ، اگر آن معاهده صرفا بدلیل وجود میزبانان پاکستانی که تنها نقش میزبان میانجی ومشاور را داشتند و بدلیل اینکه در گورنر هاوس پاکستان منعقد شده زاده ء مداخلات بیگانگان باشد ، پس معاهده ء اسلام آباد که در آن حکمتیار صاحب خود شان تشریف آورده ، و با حضور داشت نواز شریف صدراعظم سابق پاکستان و عده زیادی از مسئولان پاکستانی و حضور داشت بعضی از شهزادگان سعودی و زیر تصویر قائد اعظم بامضا رسید ، چه حیثیتی دارد وچه نامی بالای آن می نهید ؟! مداخله ء خارجی ویا ...؟؟!!

اگر مداخله ء خارجی بود پس چرا برای توثیق آن رهبر انقلابی تان به مکه رفت و چرا برای تطبیق آن شب و روز پا فشاری می کردید ؟ ! خنده های شیرین و لحن ظفرمندانه ء آقای حکمتیار را در پایان آن معاهده چگونه تعبیر می کنید و بکدام کابل گیرك مشابه می سازید ؟؟!!!

و اگر معاهده ء پشاور به این دلیل مداخله ء خارجی بشمار می رفت که مجددی را بصفت رئیس جمهور موقت تعیین کرده بود ، پس چرا این مهره ء استعمار - به استناد نوشته ها و گفته های شما - را در پهلوی خود گرفته و مقام ریاست

ص (۷)

گپ سر گپ

شهادت (درتبصره بر خوردن سگها جسد ملیشه هارا) :

از کجا معلوم که این اجساد ملیشه های شماست و یا از دیگران .

اتحاد :اگراین اجساد ملیشه های ما باشد حتما سگهایی که آنهارا میخورند سگهای دربای شورای هماهنگی شما هستند !!

شهادت (درتبصره بر گلم جمع شدن توانا) :

حرفی نیست ! او نقش ربانی و مسعود را تعقیب نموده است !

اتحاد : مگر حالا که به تعقیب نقش قدمهای انجنیر صاحب حکمتیار در پی دوستم رفته است !

شهادت (در تبصره بر ضرر توانا به حزب اسلامی در دراز مدت):

آفرین بر این دلسوزی ، پس راه اورا تعقیب کن !

اتحاد : عجیب ! اومرشد توست و راهش را دیگران تعقیب کنند ؟! تعقیب راه کج ،کار کجروان شورای ننگین هماهنگی شماست !!

شهادت (درتبصره بر شهادت مسجد اهل تسنن در مشهد) :

این را بگوئید که در کابل چند مسجد اهل تسنن بخاطر کج بودن قبله اش به امر مقامات شما به شهادت رسیده است !

اتحاد :مسجدی که قبله اش کج است قابل ویران کردن است مگر مسجد اهل تسنن مشهد قبله اش کج نبود ، مسجدی که قبله ء کج دارد از آن شما و در زیر زمینی های چار آسیاب است که تازه قبله اش را بسوی مزار وتاشکند تغییر داده اید !

شهادت (در تبصره بر مداخله ء ازبکستان) :

باکی ندارد ، توافقات ربانی ، کریموف عملی می شود !

اتحاد : پس استاد ربانی دوست شماست که با رفیق عزیز تان کریموف توافق کرده بود که کریموف به شما و دوست تان دوستم تانك وتوپ و اسلحه بفرستد تا با آن مردم کابل را قتل عام کنید و طیاره هایش را بفرستد تا در دشت سقاوه ء تان بنشیند و از آنجا کابل را بمبارد کنند !! عجیب منطقی !!

شهادت (در تبصره بر سخن عزیز مراد) :

خدا کند این آخرین دروغ جنابعالی باشد !

اتحاد : و دروغ های بعدی را بگذارد برای شما ، زیرا از وقتیکه شما در بازار مکاره ء تان دکان دروغ گویی باز کرده اید ، بازار همه دروغگویان به کساد مراجه شده است !

شهادت (در تبصره بر بمبارد تگاب و سروبی):

اینهم تناقض دیگر ائتلافی ها ، ربانی از بمبارد هوایی سروبی و تگاب انکار کرد و سیاف آنرا تایید می نماید!

اتحاد : هیچکس از بمبارد مواضع حزب انکار نکرده است بلکه دروغهای شاخدار حزب مبنی بر بمبارد خانه های مردم تکذیب شده است ، واگر تناقضی هم وجود داشته باشد در برابر تناقض گویی هایی حکمتیار و سخنگویانش و رفقیش دوستم و پهلوانانش قطره در برابر دریاست ، طوریکه حکمتیار در مصاحبه با مجله ء المجتمع از بمبارد کابل توسط طیاره های دوستم انکار می کند و آنرا کار خود مسعود می داند ولی سخنگویانش و یاران ملیشه اش بادهان پر از بمبارد طیاره های شورای هماآهنگی لاف می زنند !!

شهادت : (در تبصره بر پیوستن افراد شهادت به دولت):

نه با با ! اگر بر جسته می بودند با رفتن آنها به دولت کار انتشار شهادت متوقف می شد !

اتحاد : اینکه شهادت به دشنامنامه ء هذیان سرا و یاوه گویی تبدیل شده و از جاده ء منطق و استدلال به راه زورگویی و دشنام طرازی قدم نهاده است ، بد تر از توقف آن است !

شهادت : (درتبصره بر پیوستن افراد حزب به دولت) :

از آن جمله یکی هم مولوی عبدالرحیم خنجانی بود که اخیرا این ادعا را افترا و بهتان محض خواند!

بهر صورت از برکت پیوستن آنها بود که استاد ربانی مسکین از قصر ریاست دولت به زیرزمینی های دکو زندانی گردید !

اتحاد : این ادعا را منشی مجید ، دلجو حسینی ، عبدالقادر امامی ، محمد الله ناقد ، علام الدین اثیر جنرال ورسجی و امثال شان نیز افترا و بهتان محض خوانده اند منتها از طریق امواج رادیو کابل!!

خیر .. نگفتید انجنیر حکمتیار نه مسکین بلکه غنی از برکت چه کسی در زیر زمینی های چار آسیاب زندانی شده است ، از برکت دوستم یا مجددی ؟!!

شهادت (در تبصره بر مضمون اتحاد درمورد تنی) :

اگر چنین است ، پس تبلیغات سوء و بی شرمانه ء چهار ساله ء شما و بادارن تان درین رابطه علیه حزب بخاطر چه بود؟ کمی خجالت بکشید!

اتحاد : بخاط ائتلاف حکمتیار با تنی که تنی آنرا بصراحت بیان داشت ، آری ! کسیکه حیادارد باید خجالت بکشد اما شما از خجالت کشیدن معاف هستید !

شهادت (در تبصره برمضمون از ادعای ملیشه ستیزی ..)

چرا چنین نمی نویسید : ازعمل ملیشه پروری تا ادعای ملیشه ستیزی !!

اتحاد : وقتیکه بعدازین ماه های عسل بار دیگر با ملیشه ها بر سر قدرت داخل جنگ شدید ، آنوقت تقاضای شمارا به سر چشم عملی خواهیم کرد و چنین خواهیم نوشت !!

شهادت (درتبصره بر حمل ملیشه ء مجروح توسط رفیقش)

از شما راکه درمیدان جنگ باقیمانده اند ، سگها می خورند !

اتحاد : آری ! سگهای کمونست شورای کمونستی اسلامی هماآهنگی !

شهادت (درتبصره برمضمون ملیشه ها کیستند):

خود شان جزء اردوی اسلامی و رئیس شان فرزند خوانده و دوست عزیز استاد ربانی ، معاون وزارت دفاع و معاون ائتلاف و زمانی هم کفیل ریاست جمهوری و قوماندان عمومی نیروهای شمال! غرض معلومات بیشتر به دفتر ریاست قصر جمهوری در دکو ویا ریاست پژنتون شورای نظار دربازارك مراجعه کنید !!

اتحاد :پس این حماقت شماست که اورا برادر خوانده اید و زمام رهبری ائتلاف شورای کمونستی غربی اسلامی هماآهنگی را دردستش نهاده اید !!

شهادت (در تبصره بر مصرع گرنجنبد قلم بخشکد رزق) :

مثلیکه درین روزها بازار قلم تان در حاجی گل پلازا گرم است و رزق عاید از اداره ء ائتلافی هم چند برابر ! وگرنه خدا می داندکه تا حال دروازه ء

ص (۷)

دروسانو درسوا او شرمیدلی ماتی په هکله یوه توته :

شاړی میری لوړ همتونه

له نن نه څوارلس کاله مخکی (پوره څوارلس کاله لا یوی میاشتی دبره) روسانو د تزار د توصیبی له مخی اودکمونیزم دنړی بنګیلولو دبی پایه حرص له مخی:

دشپی په زړه کی !

دتاریخ دجبر په څنځیرونو کی تړلی حرفه یی مریی قاتلان

دڅو تنو بد مستو واکمنانو په لاس مجبوراجیر کمونستان

دعدالت ، مساوات او بشری حقوقو د دفاع په نامه داسکرلر ملتونو او قومونو دلوټوونکو داړه ماړانووحشی ګمارل شوی غله اوبدماشان دخلقیانو ،پرچمیانو دشرف ، عزت ، آبرواو ملی انسانی وقار له ورا او واده سره چی دهولو په غایندګی بیرك دمتجاوزواو تیری کوونکو روسانو نارینه ناوی ! د شوبلو ، زرهدارو ، زرهپوشو په بدرګه زموږ دښکلی پلازمینی چاپیریال ته راننوتل . .

دسور سیلاب په شان هری خواته وبهیدل؛ مګر دهندوکش دغره لمنو په لمنو کی داسی تم شول چی :

په لس هاوزرووحشی سپاهیان یی دمارغانو ارقارغانو خوراك شول.

دتابوتونو کاروانونه دماسکو په لور وتړل شول

دګودانو او رندولګی جوړی شوی

هو ! دا سیلاب دهندوکش په لمنو کی تم شو او برلویشت هم مخکی ولاړنشو ...

زموږ مریی وطنی کمونستان ؛ دا دپردی دول ته هنرمند رقاصان دمان به لومړی پلا په دی خوبش ول چی دنړی دکارګری څواکونو مرکزی لجات بخونکی سپاهیان (!) راغلی ، دبرژریه دوی دافغان مومن ملت دمؤمنوشازلو له غضبه اوتوفانی غصی بچ کړی .. مګر دا انګرنی غلطی وختی ، ځکه چی دهیواد په لر او بر کی که دروسانو له راتګ نه مخکی کومه سیمه دوی ته پاتی هم وه او هلته دوی په ویره او ترهه ژوند کاوه دروسانو له راتګ سره هغی سیمی هم ددوی له ولکی څخه ووتل ..

افغانستان روسانوته، دروسانو الحادی ایدیالوژی ته، دروسانو ملی او بین المللی وقارته، دروسانو نړیوال سیاسی واکمنی ته دګورباچوف په وینا وینی بهانده ناسور شو» ددوی په داخلی او خارجی سیاست کی ، په اقتصادی، اجتماعی ، نظامی او فلسفی نظام کی بی ربښی ځغلولی او جوړی بی ونړولی .

څومره به چی روسانو پر افغان پهولنی باندی زورزیاتی کاوه په هماغه پیمانه به د دوی دواکمنی ارزښتونو اهمیت له منځه تللو .

په دی تیری او جګړه کی روسانو سختی اقتصادی ضربی وخوړی اوله دی سره سره چی څومره جنګ دوام وکړ د دوی منحوسی څیری لانړیوالوته بربندی شوی ، لارسواشولی لاوشرمیدلی ، لاد دوی دپرتم اوپرم افسانوی رعب او ویره داسپروملتونو له زړونو څخه والوتل او بالاخره هغه ورځ هم راغله چی روسی جنرالان له افغانستان څخه دتیښتی تیاری نیولو ، خوچی کله روسیی ته متوجه شول ..

دهغه دبرم او اقتدارمانی پوبه بله پسی نړیدل

دوحدت کلا به وسپنیزو د یوالونو کی یی لوی لوی درزونه وار په وار زوړکیدل ، لوییدل ، پراخیدل اولادوی په افغانستان کی دکمونیزم دهدیره جسد له خښولونه وو روزګارشوی چی هلته (په روسیه کی) هم دکمونیزم له جنازی سره د دوی دنړیوال واکمنی جنازی هم پورته شوه ...

ګویا په افغانستان کی دروسانو ماته په نړیواله سطحه دشرقی کمونستی زبر ځواك دفکری، اقتصادی ، نظامی اوسیاسی واکمنی پر تابوت اولینی اوآخرینی میخ وچی تك وهل شو ...

او هغه روسان چی افغانستان ته دکمونیزم له ورانسره راغلی و

له افغانستان ، سیمی اونړی څخه دخپل برم له تابوت سره دماسکو په لور په حرکت کی ول..

دوی اشتباه وکړه

لویه اشتباه

دتاریخ له درسونو څخه دعبرت نه اخستلو اشتباه

دوی داسی وانګیرل چی ورځه دافغانستان خلك وروسته پاتی خلك دی ...

دغرونراو شاړو میرو اوسیدونکی دی ... لویه د دوی هر څه تباه کړی ... کولای شو دکمونیزم په پوچو وعلو دوی دبنه راتلونکی په پلمه دځان غلام کړو اودافغانستان لاس نه وهل شوی پراخی او ویری کانی دڅیری دځان ملکیت وګرځوو. . . دهند تودواوبوته ځان ورسوو ...

دآسیا په زړه کی چی دبشری تمدنونوپر څلورلاری موقعیت لری ... نوی غورځنګ ، اسلامی غورځنګ ، آزادی بخښونکی غورځنګ بتوتی بتوتی کړوترڅو خپل آینده کمونستی نسلونه د دوی له شره په امان پاتی شی...

مګر همدغه شاړی میری دی ...

لوړ همتونه وو چی د دوی هر خوب یی داوبو کرښه کړ ... اودوی یی شرمیدلی وشړل ... هوا دوی وتښتیدل ، مات شول ، خپل شول ، په هر لحاظ مات شول ، هیوادیی مات شو ، ایدیالوژی یی ماته شوه نړیوال واکمنی یی ماته شوه، فلسفی منطق یی مات شو او ...

مګر زموږ دځان ځانی او اختلاف له کبله :

لا هغه ارمان نه دی بلی شوی چی زموږ تقریبا دوه ملیونه شهیدانو غوښتل مریهی غواړ

زموږ ولس یی غواړی

زموږ یو ملیون معیوبان یی غواړی

زموږ جهاد اوقربانی یی غواړی

زموږ نصب العین یی غواړی او..

نو ځکه دوی (روسان) چی دهمدغی دلوی میاشتی په ۲٦ له افغانستان څخه تښتیدلی وه دهمدغی میاشتی په ۲٦ هر چاته دا خبره رسول غواړی چی دافغانستان دورانولو مسؤلیت دروسانو پرغاړه نه، بلکی :

دهغو مجاهدینو پرغاړه ده چی اوس هم لګیا دی افغانستان وورانوی...

دا خبره دتامل وړده

زموږدجهادی قیادت دتامل وړخبرده

هوا روسان اوس هم زموږله جهادی قیادت څخه ویریږی ، په دی چی که چیری دوی سهاته سره یو شی له موږ نه دجنګ تاوانونه غواړی .. او موږچی دافغانستان دنیولو په هیله خپل بین المللی وقار له لاسه ورکړ مفت خو نه و - له هغه سره زموږ اقتصاد او شتمنی، ملی وحدت او فکری یووالی هم تارمار شو .. نوراځی چی اوس چیغی ووهو، و اویلا وکړو که چیری جهادی قیادت متحد شو او ځواکمن اسلامی حکومت منځ ته راغی ، دا نه د روسانو په ګټه ده اونه دهغوی د پرونی رقیب او نوی بادار (امریکا) په ګټه ...

یوه ادبی توته :

د نننی کابل انځور

یو ښار دی ، ښی ښکلی ، ښکلی ښکلی په کی دی ښه روغتونونه ، ښوونځی ، بازارونه او دتفریح ځایونه لری ، ځینو لوړو آپارتمانو ته یی چی له تله ترسره ګوری خولی به دی پر ځمکه وینی ، ددی ښار د سایست صفتونه تر لری ، لری ځایونو رسیدلی ، له لری ، لری ځایونو یی خلکو لیدلوته ځان رارسولی او دبربی اوس هم د لیدو په تمه دی داسی هم نه ؤ چی په دیره منډه او کمه موده کی دی آبادی شوی وی څولګړی یی شاته پریښی او ځان یی د حسن مقابلی ته راویاسلی خو اوس په دیره کمه موده کی بیا د کنډواله شو کلیوو او ښارونو نو لس پری شل کیږی زیاتره ښکلی ښکلی ، ښوونځی روغتونو نه او .... یی په ګولو غلبیل ، غلبیل شوی چی پخوا به خلکو پیسی ټولولی ترڅو دی ښارته ځانورووسوی نن یی په ټیلو ، ټیلو هم نشی ورووستلی ، وړننوتلوته یی د « راکټونو » پرته هیڅوك زړه نه ښه کوی اوسیدونکی یی هم ټولو د تیښتی لار نیولی ، چی هری خواته یی لار پرانیستی لیدلی هغی خواته یی مخه کړی هغه هم په دیر بد حالت کی پښی پیلی تور سر او تش لاس له کوره وتلی ، کورونه یی ډك پاتی دی او په هرامن ځای کی چی د سر پناه او لږ سوری یاونه لیدلی هلته یی اړولی په دی ښار کی خلك دیرکم دی څوك چی پاتی دی هغه څوك دی چی د تګ وس نلری هغوی هم اوس محاصره دی ، د راکټونو برخه، په تباره او رڼا دواړوکی وولیږل کیږی اوخوراکی مواد بیا په موټی کی هم څوك نشی وروړی ، پاتی خلك ټول د مرګ خولی ته د وړننوتو انتظار باسی یا به یی پر سر راکټ راپریو ځی او یا به هم له لوږی مړی ، کوروټوکی څو څه نشته وورسره د یوی ګولی مړی د لاس ته رارږد لپاره هم چی د کور کوم سامان څرڅلاوته راباسی اخیستونکی نشته دوی ته دخوراکی موادو اخیستلو ته پیسی لری ، نه یی پیدا کولی شی او نه هم خوراکی مواد په لاس ورځی، ددوی خلکو تقدیر کی به څه وی؟!

مرګ .

خو په کومه ګناه ؟!

ښایی په همدی چی :

«چی په سیوری پسی حقلی ای طاهره

سرته نه رسی د هغو مرادونه »

قصهء ما دو سه دیوانه ...

- از پذیرفتن دوستم بحیث رهبر قدرتمند سیاسی ونظامی ، برسمیت شناختن ملیشه ها بحیث یك تنظیم ، قبول سهم برای ملیشه ها در دولت خیالی آینده ، پس گرفتن القاب ملحد ، غارتگر ، وحشی ، کمونیست ،نوکر ببرك و ...... و دادن لقب نیروی عمده شورای هماهنگی انقلاب اسلامی ... بوضوح دانسته می شود که فقط این رهبری شماست که بر مواضع ملیشه ها مهرتایید زده است نه اینکه ملیشه ها بر حقانیت موضع حزب صحه گذاشته باشند !!

سرمقاله نویس یك بار دگر سعی درتبرئه، رفقای ائتلافی خویش نموده و می نویسد که :« عامل اصلی جنگ و اختلاف حزب اسلامی با آنها (دوستم و مجددی) در اول هم تحریکات ووساوس عوامل شرونفاق بود ..»

بلی ! آن بیچاره ها هیچ ګاهی نداشتند و فقط وسوسه شده بودند ولی شما بدبخت ها صد در صد به خشم آمده و بدون اینکه عامل اصلی جنگ راشناسایی کنید به جان آنان و مردم بی گناه شهر کابل افتادید ، هزاران انسان راکشته و شهر را ویران نمودید !!

۸- « رقبای دیروزی حزب اسلامی ، با یك عالم حسرت و ندامت جانب حزب اسلامی راگرفتند....»

به تکرار گفته شد که این رهبری حزب اسلامی است که جانب ملیشه ها و یا به اصطلاح دشنام نویسان « رقبای دیروزی را گرفته است نه اینکه آنها جانب اورا گرفته باشند و اینکه از یك عالم حسرت و ندامت صحبت می شود ، این حسرت و ندامت در قول و فعل رهبری حزب بملاحظه می رسد و ما هرگز از مجددی و دوستم رقبای دیروز و رفقای ائتلافی امروز شما چنین چیزی را نشنیده ایم!!

۹- حزب اسلامی در گذشته با ایشان (ایران ، دوستم و مجددی) فقط مشکل داشته است وحالا آنها با حزب همنوا اند !

بلی ! آن همه قتل وغارت وتبلیغات شدید وتباهی وویرانی کشور فقط یك « مشکل » بوده و دشمنی با دولت اسلامی متشکل از تنظیم های جهادی « همنوایی » است !!

آنهم نه اینکه آنها با شما همنوا بلکه شما با آنها همنوا شده اید !

۱۰- سرمقاله نویس با توجیه کودکانه می نویسد : « دولت قبل از حزب اسلامی آنها را با آب زلال دوستی و برادری راسلامیت تطهیر نموده بود...»

آفرین به منطق تحلیل گران کم سواد !

و آفرین به این تنازل و انعطافی که از مخالفت صد در صد با دولت رد صد در صد همه اقدامات دولت منصرف و اکنون حاضر شده اید تا یك اقدام دولت را تایید و آنرا اساس کار و بار و معاملات سیاسی قرار دهید !

ما به این دلیل به ملیشه های وحشی و غارتگر و ملحد و کمونیست و آلوده پیوستیم که این هارا دولت با آب زلال شستشو داده و پاك ساخته است !!

تحلیل گران کم سواد !

آیا دولت را مطهر و پاك کننده میدانید ؟!

اگر دولت مطهر و پاك کننده است پس چرا با آن می جنگید ؟!

بفرض اینکه بپذیریم دولت آنانرا پاك و تطهیر نموده بود پس :

- آیا این اقدام دولت درست و شرعی بود ؟!

اگر درست بود پس چرا شما پارسال با این عناصر پاك و شستشو شده در آب زلال جنگیدید و مردم کابل را به خاك و خون کشیدید ؟!

- اگر اقدام دولت درست نبود پس چرا اکنون به آن استناد می کنید ؟!

اگر دولت با آن اقدام مرتکب اشتباه و خیانت شده بود پس آیا اشتباه وخیانت دیروزه، دیگران مبرای برای اشتباه و خیانت امروزی تان شده می تواند ؟!

- آیا کسی می تواند امروز شراب بنوشد به دلیل اینکه کس دیگر دیروز شراب نوشیده بود ؟!

ولی واقعیت همان است که پارسال آقای حکمتیار بصورت بسیار جالب به آن اشاره کرده و گفته بود که :

« ملیشه ها مانند بوتل شراب اند که دولت آنرا از راه برداشته است » توجه کنید ، چقدر پر معنی وجالب است :

تشبیه ملیشه هابه بوتل شراب !

- برداشتن از مسیر راه که یك امرتصادفی وغیر پلان شده است حکمتیار می گفت :

ما به دولت می گوئیم که شراب حرام است وآن بوتل را به دوراندازید ولی دولت درجواب ما می گوید که اگر به دور اندازیم بازهم گناه است زیرا کس دیگر آنرا برخواهد داشت وخواهد نوشید !

این گفته، حکمتیار در آنزمان فقط یك طنز مسخره آمیز تلقی می گردید ولی در مدت زمان کوتاه همان بوتل شراب را دولت به دور انداخت و آقای حکمت یار آنرا برداشت و چنان سر کشید که یك قطره هم باقی نماند !!

قابل توجهء دشنام نویسان کم سواد «شهادت»

معنی(دهن کجی)

دشنام نامه ای که آنرا شهادت نام گذاشته اند، به ادامه، دشنام های همیشگی ، واز فرط غیظ وغضب و کینه ، تمام کلمات مانوس و نامانوسی راکه بشکلی از اشکال به نظر آنان معنی ومفهوم دشنام را داشته باشد ، بکار می گیرند ونثار رهبران و شخصیت های جهادی می نمایند .

همچنان بدلیل دوستی ،نزدیکی و هم کلامی بامقامات ایران ، بلی ! همان مقاماتی که شهادت آنانرا توسعه طلب ، تجاوز گر و طراح ائتلاف نامقدس میدانست و فترا های کفر اهل تشیع را بچاپ می رسانید و ... امروز دشنام نویسان کم سواد شهادت با آوردن کلمات واصطلاحات ایرانی ونامانوس در جامعه افغانی ، به آن مقامات اظهار ارادت می نمایند ! وازین جمله است کلمه، « دهن کجی » که دشنام نویسان مذکور آنرا دشنام تصور نموده واین عمل را بعنوان یك عمل زشت وننگین و یعنی التماس و زاری وعذر به دشمن، نثار رهبران و شخصیت های جهادی فرموده اند !

در سرمقاله، شماره، اول حوت وهمچنان صفحه، اول شماره، سوم حوت تحت عنوان « بخوانید و قضاوت کنید » کلمه، یاد شده را از روی جهل خلاف خواست خویش بکار برده اند و درحقیقت بجای دادن دشنام به رهبران جهادی ، به آنان احترام کرده اند »

قبل ازینکه به معنی وتشریح کلمه، دهن کجی بپردازیم ، لازم است تا گفته شود که پس از پیوستن نویسندگان با سواد جریده، شهادت به دولت اسلامی ، این جریده بیشتراز پیش ، بی مایه ، بی وزن و بی اعتبار و بی ارزش گردیده است .

جالب است که دشنام نویسان شهادت افتخار دارند ، با وجود پیوستن افراد برجسته، شهادت به دولت اسلامی هنوزهم کار انتشار جریده، مذکور ادامه دارد وانتشار جریده را دلیل عمده وبرجسته، علم برجستگی آن برادران میدانند ولی از کیفیت دشنام نامه، شان چشم می پوشند و اغلاط ملایی وانشایی و کار برد نادرست اصطلاحات ، کلمات و تعاریف و ... راکه بصورت روز افزون و پس از رهایی آن عزیزان ازین زندان فکری ، به نشریه شهادت راه یافته ، نادیده می انگارند !!

و اینك معنی کلمه، دهن کجی به نقل از ص ٤۷۹ مجلد ۲٤ ، لغت نامه، دهخدا : دهن کجی : عملی که کودکان کنند استهزا کسی را با کج کردن دهان و بعض پاره های روی . ادا ، شکلك ، دهان وخط های روی را بر کسی کج کردن به نشانه ازینکه تربدین صورت و شکلی .

دهن کجی کردن به کسی ، خودرا طور استهزا شبیه او نمودن شبیه او ساختن شکلك اورا در آوردن.

عکس العمل مخالف نشان دادن کسی را .

به رغم میل وخواست کسانی یا کسی رفتار کردن. »

بنابرین دهن کجی رهبران جهادی در برابر ایران ومجددی و دوستم ، یك عمل شایسته و درخور ستایش است نه یك عمل زشت و قابل نکوهش !

طرح یك برادر مهاجر عرب و استاد در پوهنتون دعوت و جهاد برای حل مشکل انتخابات

طرح انتخابات بر اساس مساجد

برادر مسلمان : السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

این نامه ئی که بنام انتخابات مسجد ها یاد میشود بشما تقدیم میگردد امید است آنرا بخوانید و به سوالات ذیل پاسخ دهید .

۱- آیا در این برنامه مصلحت دینی و دنیوی تان را احساس میکنید ؟ بلی : نخیر

۲- آیا این نظریه درست اسلامی است یا خیر؟ بلی : نخیر

۳- آیا در مسجد تان با تنفیذ این نظریه موافق هستید ؟ بلی : نخیر

٤-در احیاء این نظریه چه رولی بازی کرده می توانید ؟

بنشر می رسانم

بنشر نمی رسانم

٥- شخصاً خودتان با نظریه موافق هستید؟ بلی : نخیر

٦- جانب سلبی این نظریه را بنگارید ؟

از طرف مهاجر راه خدا برای رهبران

الحمدلله رب العلمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیا والمرسلین و آله و صحبه و الداعیین بدعوته إلی یوم الدین اما بعد :

میخواهم طرح جدید انتخابات را که بنام انتخابات مسجد یاد میشود وامکان تطبیق آن در افغانستان و تمام عالم اسلامی است بطور خلاصه به حضور محترم شما تقدیم نمایم .

اصول و قواعد این طرح قرار ذیل است

۱- شروع ازمسجد

۲- مواخاة (عقد برادری) میان هر دونفر در داخل مسجد

۳- در یك جامعهء اسلامی یك نفر باید دو رای داشته باشد رای اول شخصتیش را تمثیل نموده و رای دوم وظیفه اش را تمثیل مینماید واین دو رای بخاطریست که در میان مردم کار دار و بیکار در جامعه فرق شود .

٤- از هر پنج جفتیکه میان شان عقد برادری صورت گرفته یك نماینده تعیین شود ، یعنی در مرحلهء اول از هر ده نفری یك نماینده تعین میشود! ودرمرحله دوم در میان هر ده نفراز نماینده گان مرحلهء اول مواخاة صورت گرفته و آنها یك یك نفر را بصورت نماینده تعیین نموده که درین صورت هر نمایندهء جدید از صد نفر نمایندگی می کند .

در مرحله سوم در میان هر ده نفر از نمایندگان مرحله دوم عقد برادری صورت گرفته و آنها یك یك نمایندهء خویش را تعیین مینمایند که درین صورت هر نماینده ازهزار نفر نمایندگی میکند .

در مرحله چهارم در میان هر ده نفر از نمایندگان مرحله سوم عقد برادری صورت گرفته و آنها یك یك نمایندهء خویش را تعیین نموده که درین صورت هر نماینده از ده هزار نفر نمایندگی میکند

و در مرحله پنجم در میان هر ده نفر از نماینده گان مرحله چهارم عقد برداری صورت گرفته و آنها یك یك نمایندهء خویش را تعیین نموده که درین صورت هر نماینده از صد هزار نفر نمایندگی میکند.

و در مرحلهء ششم در میان هر ده نفر از نمایندگان مرحله پنجم مواخاة (عقد برادری) صورت گرفته و آنها یك یك نمایندهء خویش را تعیین نموده که درین صورت هر نماینده از یکملیون نفر نماینده میکند .

اگر نفوس افغانستان ۱٥ ملیون باشد از هر ملیون یك نفر انتخاب شده و آنها رئیس جمهور را انتخاب مینمایند .

٥- جمع شدن در مساجد بر اساس صله رحمی (قرابت) و مسافه در میان قریه ها و ولسوالی ها و ولایات بوده بعداز عقد برداری در میان دو نفر اگر یکی از آنها نماینده گردید و دیگرش معاون اوست پایه های شرعی که این طرح بالایش استوار است .

۱- شروع ازمسجد به اسا سیکه پیغمبر صلی الله علیه وسلم آنرا در مسجد خود عملی کرده بود پیروی از رسول الله صلی الله علیه وسلم در اداره دولت جدید خواهد بود .

۲- بخاطریکه سنگ تهداب جامعه اسلامی بر اساس محبت برای خدا گذاشته شده باشد در میان مهاجرین و انصار از طریق اختیار آزاد از طرف پیغمبر صلی الله علیه وسلم برادری صورت گرفته که این مواخاة در سنت ثابت است .

۳- اختیار نماینده گان هم پیروی از پیغمبر صلی الله علیه وسلم بوده چنانچه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به انصار در بیعة العقبه الثانیة امر کرد ، که از میان خویش نمایندگان خودرا تعیین نمایند .

۳- تدرج اداری که امت اسلامی به اساس آن لشکر خویش را تنظیم وترتیب میکرد یگانه خصوصیت مسلمانها بوده که آنها را برامت های دیگر برتری داده بود .

٥- غیراز ین تصور ،تصور دیگری که به تطبیق محتوی این آیت (إن الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص) نزدیك باشد و جود ندارد و این یگانه طریق واضح است که مسلمانها را تحت قیادت واحد در یك دولت اسلامی جمع مینماید .

بعض از ممیزات این طرح :

۱- تطبیق این طرح بطریقهء فوق الذکر از خونریزی جلوگیری میکند .

۲- مسلمانانیکه دارای رشته های مختلف بوده توسط احصائیه افرادیکه در مسجد جمع شده اند و میان هر دو نفر آن مواخاة صورت گرفته شناخته میشوند .

۳- کسانیکه درین انتخابات اشتراك میکنند نماز گزاران و پا بند به جماعت هستند وعده آنها نسبت به مردم دیگر زیاد است (مثلاً در انتخابات پاکستان از ۵۲ ملیون ۲۰ ملیون اشتراك کردند که نسبت آنها ۳۸ فیصد است) اگر این انتخابات در مسجد صورت بگیرد مردم زیاد در آن شرکت خواهند کرد .

٤- امکان تطبیق این طرح در تمام مساجد عالم اسلامی وجود دارد .

٥- تعداد فقرا و اغنیا هردرمسجد معلوم شده و اینکار زمینه را جهت خدمت بهتر جامعه فراهم میسازد .

۷- امکان دارد توسط این طرح درحالات اضطراری مثل جنگ به بسیار آسانی رای گیری توسط دوایر مطلوب برای مشوره صورت گیرد .

۸- مصرف این طرح نسبت به طرح های انتخابات دیگر بسیار کم است .

۹- این طرح به انتشار دروغ ، چال و فریب در انتخابات اجازه نداده بلکه دروغ را در داخل جامعه محاصره کرده و آنرا معالجه میکند .

۱۰- این طرح به ملل متحد و غیر آن اجازه مداخله را نمیدهد .

و شاید از برکت اعلان این انتخابات صلح و آرامش شامل حال مردم مسلمان افغانستان شود .

ملاحظات :

علماء بزرگ و رهبران برگزیده افغانستان وعلماء یمن و بعض از علماء دیگر عالم اسلامی موافقه خویش را به این طرح اعلان کردند .

تفصیلات طرح فوق الذکر بسیار زیاد است هر وقتیکه بالای تطبیق آن موافقه صورت گرفت آنرا در قید قلم آورده تقدیم خواهم نمود .

این طرح را به علماء امت اسلامی تقدیم میکنیم تا هر یك نظر خویشرا در حصهٔ آن ابراز نماید و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

دشهادت پروپاگندیز دریځ او زموږ د مسلمان ملت ستونځی اوهیلی

څوکاله کیږي چې شهادت اونوري جهادي خپروني لولم ، خود څو ورځو راهیسی د شهادت په پروپاګندیزه لهجه او انداز کی داسی بدلون وینم چې ګویا دا دکوم اسلامی تنظیم نه بلکی د یوه تن خپرونه اونشراتی ارګان وی، د یو لجوج ، پرځان مین کینه من او له عقد و ډك انسان ، څکه چې پخوانی شهادت اواوسنی شهادت په تبلیغاتی لحاظ ډیرتوپیر سره لری ، مخکی که کوم مطلب د تبلیغ ، پروپیګنده اوعامه خبر تیار ترعنوان لاندی خپریده نو سبك یی ، لوری یی تبلیغاتی مفاد یی واخباری لهجه یی ټول پر یوډول معقولیت منطق او رقار باندی ولاړو ،مګرنن سبا بیاهغسی نه ده ټول مطالب پرته له یونیم مطلب نه په یوجهت کی لویدلی او هغه جهت ده د بنګځلو جهت ، دبهتان او طعن لوری او د یو بی جلبه ، لیونی او لجوج انسان له خولی وتلی په زهرو لرلی سپکی سپوری اوتی بوتی ..

داسی سبکاری چې د شهادت خپروونکی خپل شخصیت په دغسی صحنو جوړولو کی د خلکو له نظره پټوی اوځان بل څه بنیی او یا دا چې په خپله ددی ملت ، قوم او یا د هغه تنظیم په وړاندی چې دی یی زړه تا زړه د دوسیته داتهسن په کش او د کلداری بندلو نو د شرق پرق په مینه او دافغانیو د کارتنونو په دیوال وفادار پاتی شو (هسی خونوملګری یی څینی له ستمیانو سره لاړل ، څینی یی د دولت په مینه دولت ته تللی او څینی قومانداتان ملګری یی د جلال آباد په بنار کی رکشی چلوی اوځینی نوریی په کار خانو کی دحزب اسلامی دجهادی وسلو په پیسو لویی لویی مغازی او هټی جوړی کړی دی په خپله

یو ځل رشید دوستم ته لاهغه وخت چې نوموری دحزب اسلامی خورا ستر دښمن وتللی و چې دحزب اسلامی د مالی اداری له کنترول نه ځان بیخی آزاد کړی او د ډالرو او افغانیو په بهیرکی ورك شی که څه هم دا کار ورته د رشید دوستم د امارت منلو په قیمت هم تمام شی خو دوستم د ځینو مصلحتونو له مخی لهځان سره نه و ساتلی .. دلته ددوی سینی او څمڅي په سورو او پرقو شول چې ..

صبب دوستم نیولی .

خو دخدای احسان و چې دسپی تشخیص د نشترالی لامله خوشی کړای شو.. ګویا داډرامه په دی خاطرو چې یو بل سکرو هم واخلی او د پرله پسی درواغجنو چکو وهلو سره ځان بیرته د دارالانشاء بیتهسن مقام ته ورسوی ..

خو زه فکر کوم چې داحسود او شهرت لیونی کړی پروند او کوږ انسان د شهرت غلطه لاره نیولی ، هو ا هغه څوك چې په جومات کی د بی ادبی کولو له لاری شهرت ته رسیږی له هغه چا نه ډیر توپیر لری چې دخدای جل جلاله بندګانوته دخدمت مصدر وګرځی مات زړونه پیوند کړی ، مرور وړونه پخلا کړی ، په ټولنه کی د ټولنی افراد و د بنیرازه اوسوکاله ژوند لپاره د بنیګړی لاره ونیسی امر با لمعروف او نهی عن المنکر وکړی ... ستونځه دلته ده چې دلته نه نظام شته او نه قانون نه مجازات شته نه مکافات او که داسی کاوا که او بی محتوا پوچ خلك چې شپه ورځ لګیا دی د خلکو پر وقار ،شخصیت آبرو حملی کوی، پر هغوی طعن او بهتان وایی ، د عزت او آبرو خاوندان د خپلو شومواهدافو د لاس ته راوړلو لپاره بنګځی ، سپکی سپوری وریسی وایی او د تنظیم نه دد قاع په نامه خپل کرغیړن مخ او خبیثه څیره له خلکو نه پټول غواړی - باید شرعا محاکمی ته کش کړای شی او اتیا دری ورته د مجازات په توګه مقرر شی .. شهادت یی باطل شی او د یو مفتن انسان په توګه له خلکو تجرید شی .. آیا د حزب اسلامی په منشور کی داسی کومه ماده شته چې ځان ته د وقار بخښلو لپاره د نورو پر وقار حمله وکړه ! اسلام همدا وایی ؟

د حزب اسلامی قیادت ولی دی کارته توجه نه راآړوی ، آیا په حزب کی نور کسان نشته چې د نشراتو مقدسه دنده پر مخ بوځی ؟ که شته بیا ددغسی معلوم الحاله شرمیدلوخپرو ګمارلوته څه ضرورت دی چې دحزب اسلامی پر ژبه کینی او ددعوت پرځای خلك وسنکنځی ، د محبت پرځای نفرت پیدا کړی او د وړور ګلوی فضا د رامنځ ته کولو په عوض د نفاق اختلاق او نورو بدمرغیواورته لمن ووهی ... آیا داهماغه خلك نه دی چې دحزب اسلامی په نشراتو کی به یی مستقیماً اوغیر مستقیم د حزب پر قیادت تورونه لګول ، بنګځل به یی اونوری سپکی سپوری به یی وریسی ویل ؟ دا هماغه خلك نه دی چې د ژبی او سپی په پلمو سره یی دحزب په منځ کی لوی لوی درځونه واچول ؟ دا هماغه خلك نه دی چې تراوسه پوری د قاضی محمدامین وقاد غوندی دروند او منلی شخصیت پسی ناروا تبلیغات کوی ؟ دا هماغه خلك نه دی چې ددوی ځینی ستمی مشربه ملګری د بناغلی « توانا » په توښه دولت ته لاړل خو چې کله چې استاد هم ګلم جم شو ددوی تر پنجو لاندی هم مخکه نه ټینګیږی اواوس د خپل موقراوحیثیت د بچولو په هڅو کی لګیادی ؟ ایا په خپله دغه لجوج انسان چې څو څوځلی په حزب کی اعتماد پری شوی مګر له اعتماد څخه یی بده استفاده کړی او بیا شړل شوی کیانی ګلم جم ملیشه نه دی ...

هو ا موږ وایو چې له ګلم جم ملیشو سره د حزب الحاد ائتلاف یا همآهنګی هرڅه یی چې تاسی بولی یو ناروا عمل دی تاسی د ملحدو ملیشو له څنګه لری شی ، ددی پرځای چې د اسلام له دښمنانو سره اوږه ووکوی له خپلو مسلمانو وروبو سره د کمونستانو په له منځه وړلو کی اوږه ورکړی او دغسی ګلم جمان چې اوس ستاسی د نشراتو په صدرکی ناست دی او ملت د حزب پر ضد هڅوی هم لهځان نه لری کړی ...

که انجنیر احمد شاه « احمدزی » د اتحاد اسلامی نائب امیر داخبره کړی چې موږ له حزب اسلامی سره څه مشکل نه لرو بلکی مشکل مو د ګلم جم ملیشو پر سر دی ، موږ دی ته تیار یو چې له حزب‌سره سولی او تفاهم ته سره کینو ، مګر د ملیشو کمونست جنرال نشو زغملای ... دا خبده خبره نه ده ، درواداری او وروګلوی خبره ده په دی خبری باندی ستاسی ګلم جم لیکوال دومره خوابدی شوی دی چې د بناغلی احمد زی ټول مثبت او تعمیری چاری یی د کمونستانو په ګټه بنودلی او بیایی نوری سپکی سپوری وریسی ویلی د استاد سیاف غوندی مقبول او مؤمن شخصیت پسی یی سکاره شیندلی او داسی سپکی یی وریسی ویلی چې د کوڅی او بازار له لنډ غرو سره هم نه بنایی ... آیا استاد سیاف تل دا هڅه نه ده کړی چې جهادی مطرح ځواکونه سره نږدی کړی؟ آیا څو څو ځله یی دجمعیت اوحزب امیران (استاد ربانی او حکمتیار) یی سره په دی نیت نه دی کینولی چې ددوی ترمنځ موجودی کشالی ، شخړی اونزاکتونه پای ته ورسوی ؟

موږ د اعتنار له دریځ نه خبری درسره نه کوو ، بلکی زموږ دریځ پر واقعیتونو ولاړ دی ، هغه واقعیتونه چې نن سبا تاسی او ټول ملت پری پوهیږی ... او هغه دادی چې دمجاهدینو د حکومت له جوړیدو وروسته بیا په خاصه توګه د تګاب له جګړو نه تر ننه پوری دکمونستانو فعالیت دومره توند شوی او د هغه په څنګ کی د شرق اوغرب مداخلی زموږ په چارو کی هغه سرحد ته رسیدلی چې لری نه ده زموږ د جهاد ټولی ثمری دعظمت غوښتونکو وګړو د هوسونو قربانی شی او ډیر ژر بیا هم په افغانستان کی د کفر حاکمیت قایم شی ، په هغه وخت کی بیا زموږ غربی مشر به تنظیمونه هم هغوی ته د منلو وړنه دی ، داخو لا لری خبره ده چې تاسی په خپل څنګ کی پریږدی ، همدغه اوس اوس - داسی د کمونستانو په جال کی لویدلی یاست چې د یری په نتیجه کی به همغسی سنګر درته نهسی لکه چې جمعیت اسلامی ته یی نیولی ، آخر په دی کی حرج څه دی چې ټول اسلامی قوتونه سره جوړشی او د کفراو کمونیزم جړی ویاسی ... داخبره ستاسی پر ګلم‌لیکوال بد لګیږی او یایی تاسی نه منی او هغوی ته ددی دستور ورکوی چې دوی وسنکنځی، هغه پر تاسی پوری اړه لری ، موږ به تر هغه حق وایو چې روح مو په بدن کی وی .

آیا زموږ مسلمان ملت له موږ څخه همدغه هیله لری چې له څوارلسو کلونو جهاد نه وروسته د هیواد په کنډوالو کی هم دوی ته ځای نه وی ، جهادی ځواکونه یو د بل د پرځولو لپاره د کمونستانو ملګرتیا وکړی او حتی د ازبکستان کمونست رژیم مداخلی هم وزغمی ؟ او یا داهیله لری چې خپل مسایل په خپلو منځو کی سره حل کړاو ددوی پر زخمونو او پرهرونو پټی کیدو ؟

ستاسی اوسنی دریځ د کوم اسلامی قانون له مخی د توجیه او ترجیح پر مسند ډوه لګولای شی؟

آیاهمدا اوس اوس ستاسی په نشراتو کی د کمونستانو په پلوی پراسلامی تنظیمونو حملی نه کیږی او ستاسی ګلم جم لیکوال په هغه کی مخکی نه دی ؟

دا به کوم منطق ومنی چه :

رشید دوستم او استاد سیاف د اتحاد اسلامی مجاهد امیر چې د علم او مبارزی په ډګر کی د لر په شان ځلنده سابقه لری ستاسی په نشراتو کی داسی منعکس شی چې رشید دوستم پیژندل شوی کمونست په کی وستایل شی او استاد پسی سپکی سپوری وویل شی ... هغه رشید دوستم چې لاسونه یی ددی مسلمان ملت په وینو ترځنګلو سره دی او بیا د حزب اسلامی ډیر برجسته غړی یی وژلی ، د اجرائیه غړی یی شهیدان کړی او لا تراوسه پوری دحزب ځینی قومانداتان ورسره اسیر دی ؟

آیا دخلکو په سترګو کی خاوری ته شنیدی ؟

موږ پرته له دی نور کومه لاره لرو چې تاسی پری پوه کړو ؟

او که نه پوهیږی موږ-خو پوهیږو ، تر هغه به یی تاسی ته وایو چې لار ته سیخ شی ....

هو !

زموږ انقلاب ، ولس اوجهادله سختو ستونځو سره مخ دی ددغو ستونځو په نظرکی نیولو سره بنایی چې بیا هم ددیوران ویجاړحالت د سنبالو لو لپاره فکر وکړو خپل فکر قلم ، ټوپك اونور بشری استعدادونه په کار واچوو نور نو زموږ حالت دا نشی زغملای چې یو په بل پسی سری وشیندلو دا کارنه زموږ په ګټه ده نه د شهادت د چلوونکی په ګټه نه دملت په ګټه اونه د اسلامی انقلاب په ګټه....

موږهیڅ کله پرچا تعرض نه دی کړی او که بیا پر موږ-څوك تعرض کوی ، موږدا حق لرو چې له ځان نه دفاع وکړو .

وماعلینا الاالبلاغ

این تروریست های...

پاکستان دوسیه های آنها زیر تحقیق است ، آیا بخاطر اینها باید ه... جامعه مورد خشم ونفرت قرار گیرد و همه‌ء جامعه جزا ببیند ؟!

نه تنها در پاکستان بلکه در هرجایی از دنیا که بروید می بینید که اهل آن مرتکب جرائم گوناگون می شوند ، در هر کشور پوسته های پولیس اساسا برای سرکوبی مجرمین همان کشور تاسیس گردیده و محکمه ها برای فیصله‌ء دوسیه های مربوط به ایشان می باشد ، این مجرمان به دار آویخته می شوند ، به حبس محکوم می گردند ، در زندانهای امریکا ، چینائی ها و در زندانهای چین ، چاپانی ها محبوس نیستند ،دز محاکم جرمنی دوسیه‌ء متهمان انگلیسی ودر محاکم انگلیس ، دوسیه‌ء خطا کاران فرانسوی زیر تحقیق نیست ، ممکن است بعضی افراد خارجی نیز مرتکب جرائمی شوند لیکن همه‌ء این ترتیبات برای افراد داخلی است .

اگر به جزای اقدامات مجرمانه‌ء چند نفر تمام افراد یك ملت بپای میز محاکمه کشانیده شوند و این رسم ورواج غلط عمومیت پیدا کند، آنگه در تمام دنیا چیزی به نام انسانیت باقی نخواهد ماند و هر ملت در صف درندگان قرار خواهد گرفت ، ازین رو آنهایی که افکار مردم را گمراه می کنند نیز تروریست هستند ، اینها بس احساسات را اختطاف نموده و همه‌ء ملت را درحالتی از بیچارگی قرار می دهند ، یك ملت را با ملت دیگر بجنگ می اندازند ، و در عوض این عمل تروریستی خویش سر یك ملت را می خواهند ونمیدانند که بدین ترتیب سر ملت پاکستان به رهن گذاشته می شود.

ما از افغانها هستیم و افغانها از ما هستند ،دین ما یکی است، جغرافیای ما یکی است ، تاریخ ما یکی است ، خون ما بیك روال گردش میکند و یکسان بجوش می آید ، هر روز پانزده سال گذشته گواه این حقیقت است و تا قیامت گواهی خواهد داد .

بستن سرحد طورخم به روی اطفال و جوانان و زنان و پیر مردان افغان که از گرسنگی چون بسمل می تپند و جان می دهند ، حرکتی است ظالمانه بلکه احمقانه ،این حرکت بمنزله‌ء داغدار ساختن تاریخ و جریحه دار نمودن آینده‌ء خویشتن است ، کسانی که مرتکب این عمل می شوند ، ایشان هم تروریست هستند!

اگر افرادی که چند طفل معصوم پاکستانی را به گرسنگی وخوف دچار می سازند سزاوار مجازات باشند ، آنهایی که باعث گرسنگی وخوف هزاران طفل معصوم می شوند ، چگونه می توانند سزاوار مجازات نباشند ؟! مسئولین پاکستانی و باشندگان پاکستان ! بیاد داشته باشید که این زمینی که شما بر سر آن زندگی می کنید و این هوایی که تنفس می نمائید ، این آفتابی که از نورش بهره مند می شوید واین ابری که ذریعه‌ء آن برق و آب بدست می آورید ، اینها مال شما نیست ، از آن ذاتی که برای شما اختیار استفاده از این چیز ها را داده است ، بترسید ، فرموده‌ء اورا بشنوید ، هدایات اورا پیروی کنید ، دروازه‌ء خودرا به روی همسایگان خویش بکشائید ، بانان خود گرسنگی ایشان را بین خود و ایشان تقسیم کنید ، البته اگر شما می خواهید از تقسیم شدن و به هلاکت رسیدن نجات بیابید !

بقیه‌ء سر مقاله

بوده است پس انگیزه‌ء اصلی وی برای چنین کار فقط میتواند تعصب شدید و نفرت ازمسلمانان باشد که وی را به چنین جنایت هولناك واداشته است و نیز نشان میدهد که تعصب از هر بیماری روانی دیگر خطرناکتر است.

بعضی ها چنین استدلال می کنند که این کار از طرف یك تنظیم افراطی یهودی صورت گرفته است تا جلو قرارداد صلح با فلسطینی ها را بگیرند زیرا گروه های افراطی یهودی نه تنها دادن هرنوع خود مختاری به فلسطینی ها را رد می کنند بلکه ادعا دارند که سرزمین اصلی اسرائیل از نیل تا فرات است . گرایش های افراطی و پر تعصب در داخل اسرائیل بقدری نیرو مند اند که توان آوردن هر نوع فشار بر دولت را دارا می باشند ، پس این سوال مطرح میشودکه آیا طرح خود مختاری . هرچند برای مناطق کوچکی از منطقه اشغالی . میتواند عملی باشد ؟

از وقتیکه تلاش های عرفات برای قبولاندن این طرح بر فلسطینی ها آغاز گردیده است این اولین بار است که عرفات مجبور گردیده تا اعتراف کند که واقعه‌ء مسجد ابراهیمی تاثیر منفی بر روند مذاکرات از خود بر جا خواهد نهاد. وی در ضمن خواهان جلسه اضطراری شورای امنیت برای بررسی این واقعه گردید .

اکنون در ساحل غرب رود اردن و باریکه غزه شورش شدیدی علیه اسرائیلی ها آغاز شده است فلسطینی های خشمگین از هر گروه و سازمان به تظاهرات خشونت آمیز علیه اسرائیل پرداخته و اینك همه در یك صف قرار گرفته اند . سربازان اسرائیلی در این درگیری ها نیز عده ئی از تظاهر کننده گان فلسطینی را به شهادت رسانیده اند. اما در ضمن برای فریب ذهنیت جهانیان شروع به آزاد نمودن جمعی از زندانیان فلسطینی از زندانهای اسرائیل نموده اند .

حماس از قبل مذاکرات سازش عرفات با یهود را ردکرده و آنرا یك دسیسه‌ء بزرگ علیه آرمان فلسطین خوانده بود این تنظیم اسلامی سالها قبل قیام انتفاضه را علیه یهودیان اعلام نموده و به مردم فلسطین گفته بود که برای رهایی از چنگ یهود و ساختن یك دولت مستقل فلسطینی، هیچ راهی جز جهاد اسلامی وجود ندارد . واقعه‌ء اخیر بار دیگر بر حق بودن مسیر حماس را ثابت ساخت .

اکنون موقع آنست که فلسطینی ها سر به گریبان تفکر فرو برده و عملکرد یهود و نصاری در برابر خودرا مورد بررسی مجدد قرار دهند. فلسطینی ها از تاریخ باید این تجربه را آموخته باشند که یهود و نصارا هرگز با مسلمانان دوست نخواهند شد و رهبران سازش کار آنان نیز با سازش با دشمنان فلسطین فقط به آنان سراب آزادی را نشان میدهند واین خود جز فریب چیزی نیست. قوت روز افزون مسلمانان در فلسطین نشان میدهد که فلسطینی ها این مسئله را درك کرده اند .

البته فلسطینی ها از طرف دشمنان خود نه تنها تحت فشار نظامی بلکه تحت فشار روانی نیز قرار دارند. بعداز جنگ خلیج و شکست عراق، فلسطینی ها بخاطر حمایت از عراق مورد بی مهری بعضی از کشور های عرب قرار گرفته اند که فلسطینی ها را مردم نا سپاس به شمار می آورند و عرفات ازاین روحیه یاس از سران عرب در میان بعضی از فلسطینی ها بهره برداری نموده و خواست به آنان نشان دهد که هیچ کشوری درجهان به فکر آنها نیست بلکه خود باید به شکلی این قضیه راحل نموده و با آشتی با اسرائیل منطقه‌ء خود مختاری برای خود بدست آورند اما واقعه‌ء اخیر نشان داد که یهود با فلسطینی ها هرگز سر آشتی ندارد و فلسطین ها برای آزادی راهی جز جهاد ندارند .

بقیه‌ء گپ سر گپ

چند تنظیم دیگر را دق الباب نموده خودرا چهره میکردید !!

اتحاد : دق الباب چند تنظیم اسلامی هزار بار بهتر است از سر نهادن در آستان ملیشه ها که ذلیلانه مرتکب آن شده ای !!

شهادت (در تبصره برمضمون جنرال تنی وایدئولوژی نوینش)

تنی کجا وایدئولوژی نوینش چه ! در تدوین این طرح حتماً جنرال ظریف ، جنرال رفیع ، جنرال دستگیر ، جنرال دلاور و بابه جان (دوستان استاد سیاف) وی را همراهی نموده اند !!

اتحاد : نخیر خود او می گوید که دوست ائتلاف گرش آقای حکمتیار و دوست او دوستم وی را در تدوین این طرح یاری کرده اند !!

این اشخاص که شما نام گرفته اید هرگز نگفته اند که ما دوستان استاد سیاف هستیم اما تنی بار بار گفته است و میگوید که من با حکمتیار دوست هستم و با وی همکاری دارم !!

شهادت (درتبصره برمضمون جریده‌ء پیغام):

این ره که تو می روی به ترکستان است !

اتحاد : بعداز ریختن طرح رفاقت با رفیق دوستم و باریابی به حضور رفیق اسلام کریموف ، راه ترکستان را خوب بلد شده یی !!

شهادت (در تبصره برمضمون بلاغ)

آنقدر قابل تشویش نیست ؟ پیامبر (ص) فرموده است که (الجهاد ماض إلی یوم القیامة)

اتحاد : آری ! ولی نگفته است با ملیشه ها وکمونستها علیه مسلمانان !

شهادت (در تبصره بر خشمگین شدن نویسندگان شهادت از انتقاد بر دوستم) :

بخاطر آنکه پدر خوانده‌ء بزرگوارش (ربانی) آزرده خاطر نشود !

اتحاد : پدر خوانده اش که اورا عاق کرده ، واقعیت اینست که از ترس آزرده شدن برادر خوانده اش انجنیر حکمتیار و پدر اصلی اش رفیق کریموف و مرشدش مجددی نمیتوانی برایش بگویی که بالای چشمت ابروست وگرنه قبل از ائتلاف هماهنگی چه دشنامهایی نبود که نثارش نمیکردی !!

شهادت (در تبصره برمضمون ایمان : بعداز سوختن افغانستان چوکی را کجا بگذاریم) :

در جهنم !

اتحاد : آری ! بعداز اتحاد کردن با ملیشه های کافر دوستم و اسلام کریموف و قتل مسلمانان ، جز جهنم جایی برایت نمانده است !!

گود مارننگ...

جمهوری بعداز کودتا را برایش وعده کرده اید ؟! و اگر معاهده‌ء پشاور به این دلیل مداخله‌ء خارجی بودکه استاد ربانی را بعداز مجددی رئیس دولت تعیین نموده بود ، معاهده‌ء اسلام آباد نیز اورا برای هژده ماه رئیس جمهور تعیین کرده بود ؟ پس چرا تنها معاهده‌ء پشاور را محکوم می کنید و نه معاهده‌ء اسلام آباد را ؟!

عجیب منطقی ! دو معاهده در دو شهر یك کشور و با شرکت مسئولین آن بوقوع می پیوندد ، اما نتیجه آن می شود که یکی مداخله‌ء خارجی ازآب در می آید و دیگری معاهده‌ء اصیل و صحیح و درست !!

ص : ارشاد می فرمایند : و چه جانانه ارشاد می فرمایند که در گورنر هاوس پشاور رئیس اداره‌ء استخبارات یك کشور خارجی با دستش شانه‌ء استاد سیاف را نوازش کرد و گفت استاد کمال کردی ، استاد سیاف گفت : مردم از ناحیه‌ء حکمتیار تشویش دارند ، آن مقام مسئول کشور همسایه دست تشجیع برشانه‌ء استاد سیاف نهاده و گفت : مطمئن باشید ما بهیچ قیمتی نخواهیم گذاشت مواقف کودکانه‌ء حکمتیار این پروسه را سبوتاژ کند !!

آقای حامد ! کمی عاقلانه فکر کنید که آیا با این سخن واین اتهام شرم آورتان بطور نا خود آگاه خود وتنظیم تان را ریشخند و مسخره نکرده اید !

می گویند : شخصی گفت فلانی را در هرخبرات حاضرمی بینم ، برایش گفتند البته تو نیز در آن خبرات ها حاضر هستی و گرنه چگونه می دیدی که او در آنجا است !

آقای حامد ! حتما موافق هستید که چنین سخنانی و آنهم از طرف رئیس اداره‌ء استخبارات یك کشور در ملأ عام گفته نمیشود و بطورخیلی سری ومحرمانه مورد بحث قرار می گیرد ، و جنابعالی که از گفتگوی آن مقام با استاد سیاف خبر شده اند یا حتما در آنجا حاضر بوده اند که این خود دلیل وابستگی و نوکری جناب به آن مقام واداره‌ء استخباراتی اش است و اینکه آن مقام بوی سخت اعتماد داشته است که بحضورش این سخن سری و بسیار مهم را گفته و پرواضح است که اداره های استخباراتی جز بالای جواسیس خویش بالای شخص دیگری اعتماد نمی کنند ویا تنظیم و یاافراد برجسته‌ء تنظیم آقای حامد جزء آن اداره‌ء استخباراتی اندکه از معلومات واسرار آن باخبر می شوند !!

ق : دستور استاد سیاف مبنی بر اینکه بگذارید افراد حزب وحدت تمام افراد حزب اسلامی را قتل عام کنند و بهیچ قیمت اجازه ندهید که افراد حزب اسلامی به کابل وارد شوند ،از دروغها وتهمت های بسیار بیشرمانه یی است که به ردکردن نمی ارزد !

ش : اگراستاد سیاف به چاپ بانکنوت های - بگفته‌ء شما -بی پشتوانه از طرف روسیه و ارسالش به کابل اعتراض نکرده ، به ارسال پولهای گزاف و سیل آسای با پشتوانه‌ء ! قذافی ، صدام به شما نیز اعتراضی ننموده است وحتی به اوراقی که جهت چاپ پول استفاده می شوندو برای شما از طرف خارجیها همیشه فرستاده شده و چندی قبل محموله یی از آن در سرحد کشف و ضبط گردید و فغان استاد غریب الرحمن سعید را بر آورد ، نیز اعتراضی نکرده است !!

ت : رژیم عشق آباد رفیق رژیم ازبکستان وهم نژاد اوست و در نتیجه از نگاه کفر الحاد و نژاد به دوستم نزدیك است تا به تورن اسماعیل ، للا اگر کمکی کرده حتما با دوستم نموده است و شما با پررویی و چشم سفیدی آنرا وارونه جلوه می دهید درست آنگونه که مجاهدین جمعیت و اتحاد و حرکت را ائتلافیون می نامید و ملیشه های کمونیست ووحشی دوستم را مجاهد و مبارز !!

ث : استاد سیاف چنین مصاحبه یی با تیم فرانسوی ها و یا دیگران ننموده واین از اکاذیب و جعلیات و تهمت های شماست .

ح : انجنیر احمد شاه با مقامات پاکستانی صرف بمنظور تشریح موضع دولت دیدار نمود وتقاضای هیچگونه کمك ننمود ، بلکه برعکس این هیئت شورای کمونستی غربی اسلامی بودکه تقاضای کمك از پاکستان وایران نمود ، هیئتی که در آن داکتر کریم زارع مائویست معروف از دوستم نمایندگی می کرد !

با توجه به علم نشرجزئیات مذاکرات انجنیراحمد شاه با مقامات پاکستانی درمطبوعات سوال پیدامی شودکه چه دستهایی معلومات مهمی ازاین قبیل واز قبیل گفتگوی رئیس اداره‌ء استخبارات کشورهمسایه با استاد سیاف رادراختیار شما قرار میدهند ؟!

د : آخرین تهمت آقای حامد اینست که استاد سیاف هیئتی به تاجکستان و روسیه اعزام کرده وخواهان مداخله‌ء آنها به نفع دولت شده و به اعضای هیئت گفته که به زعمای ماسکو و دوشنبه بگوئید که ما از مهاجرین ومجاهدین تاجك حمایت نکرده ایم و بهمین دلیل آماج تبلیغات حزب اسلامی قرار گرفته ایم !

این تهمت آقای حامد با موقف گیری اخیر شورای کمونستی اسلامی هماهنگی مهر رسوایی و دروغگویی را بر پیشانی تهمت گران می زند .

آقای حکمتیار با وجود انقلابی گری های سابق و اکتهای انقلابی اش در همین چند روز قبل در برابر تهدید روسها و حکومت دست نشانده‌ء تاجکستان ، اظهار کرنش نمود و با لحن خیلی معذرت خواهانه از عدم مداخله درتاجکستان حرف زد واین کرنش نامه در شهادت به چاپ رسید!

برعکس در نخستین روزهای کودتای شوم ۱۱ جدی رادیو تاجکستان از حمله‌ء نیروهای سیاف وهابی بر مواضع نیروهای جنبش ملی اسلامی حرف زد وآنرا محکوم نمود !!

حمله‌ء ملیشه ها بر قندز و مداخله‌ء آشکار وعریان ازبکستان درین حمله خود بیانگر آنست که ازبکستان می خواهد با خارج ساختن قندز و سرحدات آن ازجنگ مجاهدین و قرار دادنش در اختیار دوستم جلو نفوذ مجاهدین تاجیك به تاجکستان را بگیرد ! و این پلان مشترك ماسکو و تاشکند است زیرا رژیم دست نشانده‌ء تاجکستان را قوای اشغالگر روسیه وازبکستان به پا نگهداشته اند !

حمله‌ء طیاره های دوستم وازبکستان که سخنگویان حزب به آن می بالند وطیارات شورای هماهنگی اش می نامند ، آری حمله‌ء این طیاره ها بر کمپ های مهاجرین تاجیك نشانه دیگری از این دسیسه است .

ولی انشاء الله علی الرغم دیده درایی ها وکتمان حقائق از طرف نویسندگان شهادت و سخنگویان و سخنرانان شورای کمونستی - غربی - اسلامی ، روز تا روز چهره‌ء این ائتلاف ننگین و زاده‌ء دست درازی خارجیان افشا می شود وفحش گویی هاو دشنام طرازی های شهادت نویسان و خاك پاشیدن های شان به چشم مردم جایی را نمی گیرد .

دراخیر بسیار دوستانه بگوش آقای حامد می گوئیم شماخوب نکردید که با ادعای اینکه استاد سیاف را نیروهای بیگانه ومداخله‌ء آنها بصفت رئیس اتحاد پنج تنظیم مقرر کرد ، سخن انجنیر صاحب حکمتیار را دررابطه با این موضوع تکذیب نمودید و اگر ایشان از این گستاخی تان خبر شوند حق الزحمه‌ء اینهمه دشنام تان را نخواهند پرداخت زیراایشان سالها قبل از شما درمورد این تقرر فرموده بودند:

«..... این پنج گروه نتوانستند که امیر تعیین نمایند ولی خداوندمتعال فرد دیگری را آورد واین مشکل را حل ساخت...

البته خداوندمی خواست که این مشکل حل گردد .

همان بود که خداوند یك برادر مجاهد و مخلص ما را از زندان رها ساخت واو با بدست آوردن اکثریت آرا بحیث امیر(اتحاد)انتخاب گردید....»

حکمتیار ، امت اسلامی بسازید ص ٦۳ سخنرانی حکمتیار خطاب به مشران قومی ۱۳٥۹/۱/۷.

اکنون برخوانندگان است قضاوت کنند که اینهمه افترآآت شما چقدر ارزش دارد و تا چه حد قرین حقیقت است !!

در حاشیهٔ خبر ها

وقتی بی کفایتی فاجعه می آفریند

به گروگان گرفتن انسانهای بیگناه عملی غیر انسانی است و هر چند اینکار برای رسیدن به اهداف انسانی نیز صورت گیرد نمیتواند توجیه معقول برای چنین عمل باشد. برای نجات جان عده ئی بیگناه هرگز نمیتوان جان جمع دیگر را به خطر انداخت در حالیکه آنها هیچ تقصیری در بوجود آمدن مشکلات برای گروه درگیر مصیبت ندارند .

ماجرای گروگان گیری بس حامل متعلمین مکتب در پشاور و بردن آنان به اسلام آباد چنین عملی بود که بوسیلهء سه نفر افغان صورت گرفت. با حملهٔ کماندو های پاکستانی به سفارت افغانستان و کشتن این سه تن گمان می رفت که ماجرا به پایان رسیده است ولی تظاهرات در کابل و حمله به سفارت پاکستان سر انجام بسته شدن سفارت پاکستان در کابل ابعاد جدیدی به این قضیه بخشید و روابط میان دو کشور همسایه و برادر را درمعرض خطر قرار داد .

سفارتخانهء هر کشور جزء از حریم خاك آن کشور در کشورهای دیگر بشمار می رود و نظر به مقررات قبول شدهء دیپلوماتیك این حریم باید از تعرض مصئون باشد دفاع از تعرض به این حریم وظیفهء کشوری است که سفارت در آنجا قرار دارد .

درست است که گروگانگیر ها افغان و از اتباع افغانستان بودند ولی راه دادن این مجرمین همراه با گروگانها به داخل سفارت کار غلط و اشتباهی بزرگ بود و از آنجا که چنین کار بدون اجازهء سفیر ممکن نبوده است سفیر افغانستان در اسلام آباد در قدم اول مقصر در این رابطه و بحرانی است که در روابط دو کشور دوست رونما گردیده است.

بعداز استقرار حکومت مجاهدین در کابل ، تقرری ها دروزارت خارجهء کشور ما همیشه مورد سوال بوده است و بسیاری از کسانیکه بعنوان دپلومات به کشورهای خارجی فرستاده شده اند فاقد اهلیت و کفایت این کار بوده اند که سردار محمد روشن یکی از این جمله است .

سفیر یك کشور باید این شهامت را داشته باشد تا در نامساعد ترین شرایط نیز مصالح علیای کشور را تشخیص داده و از آن دفاع کند و این کفایت و درایت راداشته باشد تا عواقب هر اقدام را بصورت درست بسنجد و درین رابطه تحت تاثیر شرایط و حوادث قرار نگیرد . تصمیم سفیر افغانستان درین ماجرا نشان داد که این شخص هم عاری از شهامت لازم وهم فاقد درك و درایتی است که لازمهء قرار گرفتن در چنین پست مهم است .

وقتی موتر حامل گروگانهاو گروگانگیر ها به جلوی سفارت رسید سفیر نباید تسلیم خواست مقامات کشور میزبان گردیده و در سفارت را باز میکرد و اجازه میداد که سفارت افغانستان مبدل به کاروانسرا گردد که هر کسی که مقامات پاکستانی صلاح ببیند داخل آن گردد مقامات امنیتی پاکستان توان آنرا داشتند که این مشکل را در محل دیگری غیر از سفارت افغانستان حل کنند و در نتیجه از بروز چنین حالت نا خوش آیند جلوگیری نمایند .

از همان ابتدای کار مشخص بود که گروگانگیر ها قصد رسانیدن صدمه به گروگانها را ندارند و وزیر داخلهء پاکستان جنرال نصیرالله بابر بعداز مذاکره با آنان نیز تائید کرد که خطری متوجه جان گروگانها نیست رفتار آنها با متعلمین و معلمین به گروگان گرفته شده نیز بسیارنرم بودو به گزارش مطبوعات پاکستانی در دورهای اخیرمذاکرات، گروگانگیرها بصراحت از این عمل خود اظهار ندامت نموده و گفته بودند که این عمل رااز روی مجبوریت انجام داده بودند زیرا میخواستند توجه جهانیان رابه وضع کابل جلب نمایند آنها در طول دوران مذاکرات تعداد زیادی از گروگانهای خودرا آزاد کردند بقول مقامات پاکستانی آنها در پایان از تقاضای بدست آوردن پول نیز صرفنظر نمودند و این خود نشان میدهد که آنها روحیهء خود را از دست داده بودند و فقط کمی صبرو حوصله لازم بود تا تسلیم شده واسلحهء خود را تحویل دهند اما عجله ئی که درحمله به سفارت نشان داده شد هر چند موجب آزادی سریع تر گروگانهای باقی مانده گردید ولی دو تاثیر منفی را بار آورد که به نفع مقامات امنیتی پاکستان نیز نبود . اول اینکه با کشته شدن هر سه گروگانگیر واقعیت مسئله و دست هائی که در عقب پرده کار فرما و محرك بودند پنهان باقی ماند و زمینه برای آن مساعد شد تا هر کسی به مذاق خود این مسئله را تحلیل نموده واز آن نتیجه بگیرد .

دیگراینکه بردن این ماجرا بداخل سفارت افغانستان از طرف مقامات پاکستانی و بالآخره حمله به سفارت هر چند به اجازهء مقامات سفارت نیز انجام گرفته باشد لرزش عواقبی را نداشت که اینك در روابط دپلوماتیك میان دو کشور برادر بوجود آمده است .

پاکستان برای افغانها نه تنها یك کشور همسایه است بلکه برای ملیونها افغان حیثیت کشور دوم را دارد پاکستان در سخت ترین دوران تاریخ به مردم افغانستان از هیچ کمك و یاری دریغ نورزیده است و مردم افغانستان هرگز این احساس برادری ملت مسلمان پاکستان را فراموش نخواهد کرد ما امیدواریم که علی الرغم این جریان و حملاتی که در سفارت خانه های دو کشور در کابل و اسلام آباد صورت گرفت روابط برادرانه و دوستانه ادامه یابد و پاکستان نیز درجهت ایجاد صلح و ثبات در افغانستان به مردم افغانستان کمك نماید .

* *

اقدام منفی دیگر از طرف سفیر افغانستان در اسلام آباد آن بودکه بعداز کشته شدن گروگانگیر ها از تحویل گرفتن اجساد آنان خود داری ورزید . دلیل آقای روشن آن بودکه در سفارت برای نگهداشتن اجساد آنان جائی وجود ندارد. درست است که این سه نفر مرتکب جرم شده بودند ولی بعداز کشته شدن از آنجا که اتباع کشور افغانستان بودند سفارت وظیفه داشت تا اجساد آنانرا تحویل گرفته و دفن نماید و یا در صورت امکان به کابل انتقال دهد و به این ترتیب از سوء استفادهء عناصر ماجراجو که در صدد اند از این ماجرا در جهت خرابی روابط میان دو کشور استفاده نمایند جلو گیری کند.

البته درینجا مارا سربحث روی مسایلی در رابطه با عرف دپلوماتیك با جناب سفیر نیست فقط همینقدر می گوئیم که اگر ایشان ذره ئی احساس (افغانیت) هم داشتند باید چنین نمیکردند .

حزب اسلامی کاروان امدادی سازمان ملل متحد را از داخل شدن به کابل ...

کابل : قافلهء مواد غذائی سازمان ملل متحد شامل شش موتر که نود تن آرد را برای مردم داخل شهرکابل حمل میکرد در منطقهٔ بگرامی بوسیلهٔ افراد مسلح حزب اسلامی متوقف گردید.

قبلاً در مذاکراتی که میان مسئولین امداد سازمان ملل متحد در پشاور وحزب اسلامی صورت گرفته بود توافق شد که چهل و پنج تن از این مواد در مناطق تحت کنترول حزب و چهل و پنج تن در مناطق تحت کنترول دولت به مردم قحطی زده توزیع گردد و حاجی فرید سکرتر دفتر حکمتیار در پشاور نیز در مصاحبه با B, B C, گفته بود که (الحمدلله بین حزب و سازمان ملل متحد در مورد ارسال مواد غذائی توافق صورت گرفت) و درین مورد قطب الدین هلال نیز با نمایندهٔ سازمان ملل به توافق رسیده بود ولی اکنون حزب اسلامی اعلام داشته است که درین مورد غلط فهمی صورت گرفته بود و گفته میشود که حزب مطالبات و شرایط جدیدی را در بدل اجازه به این کاروان عنوان نموده است.

ستوریوس میشوریوش نمایندهٔ خاص سرمنشی سازمان ملل برای افغانستان ضمن انتقاد شدید از این عمل گفته است که از سرمنشی سازمان ملل متحد برای باز گردانیدن این کاروان به جلال آباد دستور خواسته است.

افغانستان ته دمهاجرو بیرته ورتگ لپاره ترهغه انتظار باسو چی هلته حالات سَه شی

اسلام آباد (پاکستان ورځپانه دمارچ دریم) :

دپاکستان کورنیو چارو وزیر بناغلی جنرال نصیر الله با بر ویلی دی چی افغان مهاجرین زموږ ورونه دی پر هغوی به هیڅ ډول زورزیاتی نه کیږی اوحالاتو تر بنه کیدوپوری چی په افغانستان کی امنیت راشی دلته لکه دپخوا په شان ژوندکولای شی .

دپاکستان کورنیو چاروزیر داخبری پرون دپارلمان په انګړکی له ژورنالستانو سره دخپلوخبرو اتروپه ترڅ کی وکړی ، هغه زیاته کړه چی تر اوسه لا په افغانستان کی حالات ښه نه دی ، لکه څرنګه چی موږددوی دومره خدمت کړی او مرسته مو ورسره کړی ، نو اوس هم غواړوتر هغه وخته پوری چی په افغانستان کی حالات ښه شوی نه وی اودوی پخپله خوښه هلته تللوته تیار شوی نه وی موږ به دپخوا په شان ددوی مرسته جاری ساتو اوهیڅ ډول فشار به پر دوی نه آچوو - هغه زیاته کړه چی موږ غواړوله خپلو افغان وروڼو سره ښه روابط او مناسبات ولرواو دامناسبات په راتلونکی کی هم د ورورګلوی په فضا کی ادامه ولری - هغه دیوی پوښتنی په ځواب کی وویل چی موږنور افغانانو ته پاسپورټ نه ورکوو او څوك چی دپاسپورټ دتجدید لپاره راشی نو زوړپاسپورت به یې ضبط کړو...

افغان کمشنری دپخوانیو مهاجرینوسره مرسته کمولو ...

خبر په پای کی لیکی : اوس افغان کمشنری تصمیم نیولی چی پخوانیو مهاجرینو باندی خوراکی مواد کم کړی ، دنوی پروګرام له مخی به ١٦ کیلو غنمو پر ځای ١٥ کیلو اوغوړی صفر اعشاریه نهو کیلو پرځای صفر اعشاریه شپږکیلو دمیاشتی ورکول کیږی خودوی په مقابل کی به بیانوپو مهاجرینو سره مرستی پیل کیږی .

کلیوړنګیدو له وجی بیرته نه شی ستنیدی .

ملګرو ملتو یوځل بیا د جګړی د بندیدو غوښتنه وکړه

پیښور - جنګ ورځپانه د کب ١٤:

د ملګرو ملتو عمومی منشی یوځل بیا پر مجاهدینو غږ کړی چی جګړه دی بنده کړی .

دجنګ ورځپانی د خبر له مخی د ملګرو ملتو دعمومی منشی بطروس غالی ویندوی وبلی چی د ملګروملتو مشر په افغانستان کی د وینو د توئیدو څخه په اندیښنه کی دی ځکه دی چی یو ځل بیا پر مجاهدینو غږ کوی چی جګړه دی بند کړی او خپل مشکلات دی د خبرو له مخی حل کړی .

خبر په پای کی لیکی : څه موده وړاندی هم د ملګرو ملتو مشر د جګړی د بندیدو غوښتنه کړی وه خو غوښتنی ته یې چا غوږ نه و ایښی .

توافق برسر ایجاد یك فدریشن بین مسلمانان وکرواتها

بین مسلمانان وکروات های بوسنیا هرزه گوینا در مورد ایجاد یك فدراسیون میان خویش به موافقه نرسیده اند این معاهده به ابتکار امریکا در واشنگتن بزودی به امضا خواهد رسید قرار اظهار مقامات وزارت خارجهٔ امریکا درین فدراسیو ن دو منطقهٔ شامل اند که تحت کنترول نیروهای دوطرف میباشند، مسلمانان وکرواتها به اساس این معاهده از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود .

حکومت مرکزی بر امور خارجه ، دفاع وتجارت خارجی کنترول خواهد داشت ، هردو طرف خواهان ختم جنگ در بوسنیا هستند واین جنگ تاکنون به قیمت جان بیش از دوصد هزار نفر تمام شده است اگر این توافق جامهٔعمل بخود بپوشد توازن قوا میان صربها ومخالفین شان (مسلمانان وکرواتها) بوجود خواهد آمد واین موضوع میتواند به صلح در یوگوسلاویای سابق منجر گردد، لازم به تذکر است که پنجاه فیصد از قلمرویوگوسلاویای سابق تحت کنترول صربها قرار دارد .

هفته نامهٔ
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان
صاحب امتیاز: اتحاد اسلامی افغانستان
سال تأسیس: عقرب ١٣٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت وارشاد
آدرس: کابل - وزیر اکبر خان مینه - روبروی مسجد جامع
آدرس پستی درپشاور:
G.P.O. Box (786)
PESHAWAR - PAKISTAN